چکیده پیام‌های  
سی جزء قرآن کریم

**نویسنده:**

**عمر بن عبدالله بن محمد المقبل**

**مترجم:**

**ابوخالد عبدالله محمدی**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | چکیده پیام‌های سی جزء قرآن کریم | | | |
| **عنوان اصلی:** |  | | | |
| **نویسنده:** | عمر بن عبدالله بن محمد المقبل | | | |
| **مترجم:** | ابوخالد عبدالله محمدی | | | |
| **موضوع:** |  | | | |
| **نوبت انتشار:** | دوم (کاغذی)/(دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** | سایت عقیده www.aqeedeh.com | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |
| **محتوای ​این کتاب لزوما بیانگر دیدگاه سایت​ عقیده​ ​نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه ​نویسنده آن است.** | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب أ‌](#_Toc458920891)

[مقدمه 1](#_Toc458920892)

[جزء اول 3](#_Toc458920893)

[جزء دوم 6](#_Toc458920894)

[جزء سوم 8](#_Toc458920895)

[جزء چهارم 11](#_Toc458920896)

[جزء پنجم 15](#_Toc458920897)

[جزء ششم 18](#_Toc458920898)

[جزء هفتم 21](#_Toc458920899)

[جزء هشتم 23](#_Toc458920900)

[جزء نهم 26](#_Toc458920901)

[جزء دهم 28](#_Toc458920902)

[جزء یازدهم 31](#_Toc458920903)

[جزء دوازدهم 35](#_Toc458920904)

[جزء سیزدهم 37](#_Toc458920905)

[جزء چهاردهم 42](#_Toc458920906)

[جزء پانزدهم 44](#_Toc458920907)

[جزء شانزدهم 47](#_Toc458920908)

[جزء هفدهم 50](#_Toc458920909)

[جزء هجدهم 52](#_Toc458920910)

[جزء نوزدهم 55](#_Toc458920911)

[جزء بیستم 58](#_Toc458920912)

[جزء بیست و یکم 60](#_Toc458920913)

[جزء بیست و دوم 63](#_Toc458920914)

[جزء بیست و سوم 66](#_Toc458920915)

[جزء بیست و چهارم 68](#_Toc458920916)

[جزء بیست و پنجم 70](#_Toc458920917)

[جزء بیست و ششم 73](#_Toc458920918)

[جزء بیست و هفتم 77](#_Toc458920919)

[جزء بیست و هشتم 82](#_Toc458920920)

[جزء بیست و نهم 86](#_Toc458920921)

[جزء سی 89](#_Toc458920922)

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلّم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين، أما بعد:

این نوشتار، اشاره­ای است مختصر و درنگی کوتاه که مشتمل بر موضاعات اصلیِ سی جزء قرآن کریم می­باشد. و آن را در دسترس برادران مسلمانم قرار می­دهم تا همانند فانوس­ و یا علایمی در راستای فهم موضوعات این جزءها باشد باشد. باشد تا پنجره­ای رو به تدبّر و اندیشیدن کلام الله ـ، زیستن با آن و اصلاح قلب، باز نماید؛ چرا که این مهم، از بزرگترین اهدافِ نزول قرآن کریم می­باشد.

و گاهاً خواننده­ی محترم ملاحظه می­کند که بنا بر اهداف تربیتی یا ایمانی یا به دلیل این که آیاتِ مورد نظر، جزوِ قواعد قرآنی می­باشند، یا بنا بر دلایلی دیگر، برخی آیات را بیشتر بررسی می­کنیم. گر چه این رویکرد، با هدف اصلی که بررسی موضوعی، آن­هم به صورت مختصر است، در تضاد می­باشد.

و این را هم خوب می­دانم که عرضه­ی مطالب به صورت مختصر، حتی اگر در مورد کلام انسان­های بلیغ باشد، سخت است، چه برسد به کلام آفریدگار بشر که هیچ چیز همتای او نیست. بلکه برتری کلامش بر کلام مخلوقاتش همانند برتری خود او تعالی بر مخلوقاتش می­باشد.

عمر بن عبدالله بن محمد المقبل

شعبان /1434 هـ

بازنگری و افزودن بر مطالب، شعبان/ 1437هـ

جزء اول

1- سوره­ی فاتحه که بزرگ‌ترین سوره­ی موجود در قرآن کریم است و با آن کتاب الله ـ آغاز می­گردد، بر چند مورد تمرکز می­کند؛ این موارد عبارت­اند از:

* تعریف و تمجید الله ﻷ که نیمه­ی اول این سوره را در بر می­گیرد.
* خالص نمودن عبادت و یاری طلبیدن از الله ـ.
* بیان حقیقتِ هدایت و گروه­های محروم از هدایت.

2- سزاوار است کسی که سوره­ی فاتحه را در هر شبانه روز هفده بار می­خواند یا می­شنود، دورترین مردم از تشابه به کفار باشد. چرا که شایسته نیست مرد و زنِ مؤمنی این آیات را بخواند و سپس خود را به کسانی تشبیه نماید که از روشِ آنان به الله ﻷ پناه آورده است: ﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ٧﴾ [الفاتحة: 6-7].

یعنی: «ما را به راه راست هدایت کن. راه آنان که بر ایشان انعام کردی نه (راه) آنان که بر ایشان غضب نمودی و نه (راه) گمراهان».

3- سوره­ی بقره بلندترین سوره­ی قرآن بوده و فضایل زیادی در مورد آن ذکر شده است. از بزرگترین اهدافی که این سوره بر آن متمرکز است، می­توان این موارد را نام برد: تربیت دلِ مؤمنان بر پذیرش دستورات و نواهی الله ـ هر چند هم که زیاد باشد. و پرهیز از تشابه و همگونی با یهود که در امتحانِ (ذبح گاو) شکست خوردند. اما هنگامی ­که این سوره با تکالیف زیادِ خود نازل گردید، صحابه ش از امتحان سرفراز بیرون شدند. الله أ در آخر سوره­ی بقره آنان را چنین می­ستاید: ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ...﴾ [البقرة: 285].

یعنی: «پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شد ایمان آورد، و مؤمنان...».

4- ابتدای سوره­ی بقره در برگیرنده دیدگاه مؤمنان، کفار و منافقین در قبالِ رسول ص و رسالت وی می­باشد. در مورد منافقین سخن را به درازا می­کشاند؛ زیرا که خطرشان بر امت اسلامی زیاد و سیاست­شان پوشیده است و در میان مؤمنین و کفار سرگشته هستند.

5- بحث مفصل در مورد داستان آدم و همسرش إ و جانشینی او در زمین. از نظر ترتیب، این اولین داستانی است که در قرآن کریم آغاز می‌گردد. این داستان، پیام زود هنگامی است به انسانِ مؤمن در شناساندن دشمن بزرگی که عداوتش با انسان به قِدمت و درازای تاریخ ابوالبشر آدم ÷ است.

6- آغاز سخن در مورد بنی اسرائیل و یهودیان به صورت خاص است؛ و به بیان دیدگاه آنان در مورد قرآن و عموم پیامبران بالأخص پیامبرمان محمد ص می­پردازد.

7- در این سوره بحثی مفصّل در مورد داستان گاو می­خوانیم. این داستان پیامی است برای این امت که خلاصه­اش بدین مضمون است:

پرهیز از شک و دو دلی در پذیرش احکام الهی. چرا که این کار باعث سنگدلی می­گردد. شایسته انسان مؤمن است که فوراً تسلیم اوامر الله ـ گردد. و به همین منظور، چنان­که پیشتر گذشت، الله أ در پایان این سوره مؤمنان را می­ستاید.

8- سخنی مفصل از رسوایی­های یهود در قبال پیامبران الاهی و فرشتگان ارجمند.

9- این­که ممانعت از ذکر و یاد الهی در مساجد و تلاش در راستای تخریب آن، از رسوایی­های نصارا است. ننگ باد بر کسی که خود را به آنان تشبیه کند.

10- ذکر بنای مسجد الحرام و کسی که آن را بنا نمود و این­که چگونه ساخته شد.

11- ظالمان به امامت در دین نمی­رسد: ﴿قَالَ لَا يَنَالُ عَهۡدِي ٱلظَّٰلِمِينَ١٢٤﴾ [البقرة: 124]. یعنی: «فرمود: پیمان من به بیدادگران نمی­رسد.»

12- تربیت فرزندان و وصیت آنان به خیر و نیکی، حد و مرزی ندارد. بلکه تا لحظه­ی جان­دادن، مستمرّ و جاریست: ﴿أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ١٣٣﴾ [البقرة: 133].

یعنی: «آیا وقتی که مرگ یعقوب فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: (پس از من چه را خواهید پرستید؟) گفتند: معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، معبودی یگانه را می­پرستیم؛ و برایش تسلیم هستیم».

13- ﴿تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡ‍َٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٤١﴾ [البقرة: 141]. یعنی: «آن جماعت را روزگار سپری شد؛ برای ایشان است آنچه به دست آورده­اند؛ و برای شماست آنچه به دست آورده­ابد؛ و از آنچه آنان می­­کرده­اند، شما باز خواست نخواهید شد»

این فرموده­ی الله ـ ردّی بسیار روشن است بر آنان که بر نسبِ نیک، می­بالند و به آن استناد می­کنند. چنین نسبی، هیچ باری از دوش انسان بر نمی­دارد؛ حتی اگر به ابراهیم خلیل ÷ یا به محمد ص هم متصل باشد. بلکه عملی را که انجام داده­ای، معیار خواهد بود:

جزء دوم

1- در این جزء، از یهود و خرده­گیری آنان در تغییر قبله و ردّ بر آن­ها و نیز از فضیلت امّت رسول ص و این­که بهترین امت است، سخن به میان می­آید.

2- توجّه به تزکیه­ی روح و روان، مقدّم بر روی آوردن به این سو و آن سو است. البته هر دو مورد مهمّ است.

3- بسیار واضح به صبر و راه­های دستن یافتن به آن و نتایجش وصیت و ارشاد می­نماید. تمام این موارد را در آیاتی بسیار با عظمت ولی کوتاه می­یابیم: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ١٥٣ وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢۚ بَلۡ أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشۡعُرُونَ١٥٤ وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ١٥٥ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ١٥٦ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ١٥٧﴾ [البقرة: 153-157].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده­اید! از شکیبایی و نماز یاری بجویید که قطعاً الله با صابران است. و کسانی را که در راه الله کشته می­شوند مرده نخوانید. بلکه آنان زنده­اند ولی شما نمی­دانید. و البته شما را با چیزهایی از قبیل ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه­ها می­آزماییم و مژده بده صابران را؛ آن کسانی که چون مصیبتی به آن­ها برسد گویند: ما از آنِ الله هستیم و به سوی او باز می­گردیم. آنان درود و رحمت پروردگارشان شامل حالشان است و ایشان­اند هدایت شوندگان».

4- فرض شدن روزه و بسیاری از احکام مربوط به آن، به تفصیل بیان شده است و این تنها جایی است که قرآن کریم از روزه سخن می­گوید؛ پس خوب دقت کن!

5- این سوره بعضی از احکام حج را بیان می­دارد و در اینجا بر خلاف سوره­ی حج که تمرکزش بر اعمال قلبی و ایمانیست، بر احکام عملی، تمرکز نموده است.

6- در این جزء به صورت گسترده بسیاری از احکام خانواده از قبیلِ نکاح، طلاق، شیر دادن نوزاد و ارتباط آن با تقوی و مراقبت الله ـ بیان می­شود. و این، پیامی واضح و روشن در توجّه دین اسلام به تمام ابعاد زندگی است. و بر خلاف پندار برخی منافقین که می­گویند: اسلام فقط به مسایل عبادی می­پردازد، شریعت بر تمام تصمیمات و تصرّفات ما تسلّط کامل دارد.

7- تمرکز بر ارتباط احکام خانواده به ایمان به روز قیامت؛ چرا که چنین رویکردی، تأثیر بسزایی در توجّه انسان، به بر پا داشتنِ این احکام دارد.

8- در داستان جالوت – که در آخر این جزء ذکر شده است – درس بزرگی در مورد صبر است. و این­که پیروز شدن بر دشمنان، تنها بسته به کثرت عِدّه و عُدّه نیست.

9- همچنین این قصه بیان می­دارد که دعوتگر باید خود را بر شکیبایی و ثباتِ تا پایان راه، پرورش دهد. و اینکه در میانه راه دعوت، بسیاری از مردم وی را یاری نمی­کنند و بدین طریق آزمایش می­شود.

10- در آیه­ی ماقبل آخر این جزء، قانونی از قوانین کَونیِ الله أ عرضه می­شود. و آن این قول الله متعال است: ﴿وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّفَسَدَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ [البقرة: 251]. یعنی: «و اگر الله بعضی از مردم را بوسیله­ی بعضی دیگر دفع نمی­کرد، قطعا زمین تباه می­شد، اما الله بر جهانیان بخشش دارد».

جزء سوم

1- بزرگترین آیه! که آیة الکرسی است، در این جزء قرار دارد. پس راز عظمتش را دریاب. و چه نام­های زیادی از الله ﻷ که در آن یاد شده است!

2- بعد از آیة الکرسی سه داستان ذکر می­شود که نیاز به تدبر و تأمل دارد. داستان ابراهیم ÷ و نمرود؛ داستان آن شخص که از یک آبادی گذر کرد؛ و قصه­ی ابراهیم ÷ با چهار پرنده.

3- تشویق به قرض الحسنه و صدقه دادن. و بیان این­که شیطان به تنگدستی وعده می­دهد و الله أ به روزی بسیار زیاد.

4- هشدار نسبت به سودخواری و ربا. و توضیح این­که این عمل، یعنی اعلان جنگ با الله ـ و رسول الله ص.

5- آیه­ی قرض و معامله­ی نسیه که نشانگر توجه اسلام به مسایل اقتصادی است.

6- در ابتدای سوره­ی (آل عمران) می­گوید: قرآن جدا کننده­ی میان حق و باطل است. و این­که هرگز الله أ جز دینِ اسلام را از هیچ کس قبول نمی­کند.

7- داستان مادر مریم ‘ دلیلی بر اثر نیت پاک در اصلاح فرزند است و این­که الله ﻷ آن فرزند را محافظت خواهد نمود.

8- و نیز داستان مادر مریم ‘نمونه­ و الگویی است بر همّت والا در طلبِ فرزند. چرا که او از الله ـ خواسته بود تا فرزندش را خادم بیت المقدس نماید. و تو ای انسان متأهل! آیا تا کنون به ذهنت خطور کرده است که آرزوی تولّد فرزندانی را داشته باشی که خدمتگذاران دین الله أ گردند.

9- بیان این­که دین موسی، عیسی و محمد علیهم الصلاة و السلام بر توحیدِ الله و نفیِ شرک می­باشد. لذا هر کس با آنان همکار و شریکی قرار دهد، در حقیقت از آن­ها پیروی نکرده است.

10- درسی در نقد و بررسیِ جوامع؛ و این­که تعمیمِ انتقاد به کل افراد جامعه خطاست؛ حتی اگر با دشمنت باشد. در این آیه تأمل کن: ﴿۞وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗاۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ٧٥﴾ [آل عمران: 75].

یعنی: «و در میان اهل کتاب کسانی هستند که اگر به طور امانت مال فراوانی به آن­ها بسپاری، آن را به تو برمی­گردانند، و هستند کسانی که اگر دیناری به طور امانت به آن­ها بسپاری آن را به تو باز پس نمی­دهند، مگر اینکه همواره بالای سر او ایستاده باشی، این بدان جهت است که آن­ها گفتند: ما در برابر اُمّیین و بی‌سوادان مسئول نیستیم، و بر الله دروغ می­بندند، حال آنکه خود می­دانند».

و می­فرماید: ﴿۞لَيۡسُواْ سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ١١٣﴾ [آل عمران: 113]. یعنی: «آنان همه یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی پابرجا هستند و در ساعاتی از شب به نماز ایستاده و آیات الله را می­خوانند».

11- معنای (ربانیّت» فقط در سوره­ی آل عمران ذکر شده است. و ربانیّت ویژگیِ علمایی است که قبل از آموزش مسایل بزرگِ علمی به مردم، مسایل کوچک و ساده را به آنان می­آموزند. و در تعلیم شریعت به بندگان الله ـ صبور و شکیبایند. الله متعال می­فرماید: ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّ‍ۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾ [آل عمران: 79]. یعنی: «به سبب آنکه کتاب (آسمانی) تعلیم می­دادید و از آن رو که درس می­خواندید، خداپرست باشيد».

جزء چهارم

1. به اولین خانه­ای که برای انسان­ها در زمین ­(برای طواف) نهاده شد، اشاره دارد. و این یکی از دلایلِ فرض بودن حج است.

2- چنگ زدن به ریسمان الله ـ و تجمع و همبستگی برآن و عدم تفرقه و از هم­پاشیدگی، بزرگترین اسباب قدرت و توانمندی است.

3- ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ وَلَوۡ ءَامَنَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۚ مِّنۡهُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ١١٠﴾ [آل عمران: 110]. یعنی: «شما بهترین امتی هستید که برای (سود) مردم آفریده شده­اید؛ امر به معروف و نهی از منکر می­کنید و به الله ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان می­آوردند بر ایشان بهتر بود؛ تعداد کمی از آن­ها با ایمان هستند و بیشترشان فاسق­اند»، در آیه­ای که گذشت، و نیز آیات ماقبل و ما بعد این آیه، دلالتی واضح بر جایگاه امر به معروف و نهی از منکر دارد. چرا که الله أ آن را بر ایمان، مقدم نموده است. تا دلالتی باشد بر این­که امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی­های این امت است. هم­چنین این جریان، از بزرگترین پیامدهای ایمان و حفاظت از شاخه­های دین است.

4- ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ١١٨﴾ [آل عمران: 118]. یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده­اید! از غیرِ خود محرمِ اسرار برنگیرید، (آنان) از رساندن هر گونه زیان و بدی به شما کوتاهی نمی­ورزند، دوست دارند که شما گرفتار رنج و مشقت شوید، دشمنانگی از دهان آنان آشکار است و آنچه در دل پنهان دارند بزرگتر است؛ به راستی که آیات را برای شما بیان نمودیم اگر بیاندیشید»، این آیه و آیات بعد از آن هشدار و تذکری زود هنگام، در مورد جدّی بودن خطرِ محرم­های غیر خودی، بر رهبران امت است.

5- ﴿وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ أَهۡلِكَ تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ١٢١﴾ [آل عمران: 121]. یعنی: «و به یاد آور هنگامی را که سحرگاهان از میان خانواده­ات بیرون رفتی و جای مؤمنان را برای جنگ مشخص نمودی، و الله شنوا و داناست». آیه­ی فوق به بعد، شرح مفصلی از غزوه­ی احد است. لازم است در این آیات و موضوعاتی که سوره بر آن متمرکز است، خوب تدبّر کنی. از آن جمله: سخن در مورد اثر گناهان بر خواری و ضعف امت اسلامی است. که ربا و سودخواری و چسبیدن به دنیا از شدیدترین آن­ها می­باشد.

6- بیان گوشه­ای از صفات بندگان پرهیزگار الله ـ که از آیه­ی 133 تا 138 سوره­ی آل عمران، ادامه دارد. خوب به آن­ها توجه کن و سعی کن در زمره­ی آنان باشی. ﴿۞وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ١٣٣﴾ [آل عمران: 133]. یعنی: «و بشتابید به سوی آمرزش و عفو پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن (به اندازه­ی) آسمان­ها و زمین است (و) برای پرهیزگاران آماده شده است»، تا ﴿هَٰذَا بَيَانٞ لِّلنَّاسِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ١٣٨﴾ [آل عمران: 138]. یعنی: «این (قرآن) بیانی است برای مردم، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران».

7- ﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ١٣٩﴾ [آل عمران: 139]. یعنی: «و اگر مؤمن هستید، سست و ضعیف نشوید، و غمگین نگردید، که شما برتر هستید». این آیه نص صریحی است بر نهی از سستی و اندوه؛ مادامی که مؤمن و پیرو پیامبرتان ص باشید. و این که اصلاً شایسته نیست مشکلات و سختی­هایی که فراروی شماست، باعث ضعف و خواری شما گردد.

8- توضیحی پیرامون برخی از تناقضات یهود.

9- برون رفت­های تربیتِ ربّانی را نظاره کن: ﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ١٤٦﴾ [آل عمران: 146]. یعنی: «و چه بسیار پیامبرانی بوده­اند که همراه آنان مردان خداییِ زیادی پیکار کرده­اند، و به سبب چیزی­که به آنان در راه الله می­رسید سست و ناتوان نشدند، و زبون نگشتند، و الله بردباران را دوست دارد». این جریان درسی است برای جوانِ احساساتی و غیور؛ زیرا جهاد فقط بعد از تربیت به دست علمای ربّانی، مفهوم و ارزش پیدا می­کند.

10- ﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ١٩٠﴾ [آل عمران: 190]. یعنی: «به راستى در آفرینش آسمان­ها و زمین و آمد و شدِ شب و روز براى خردمندان نشانه‌هاست»، آیات پایانی سوره­ی آل عمران از آیه­ی فوق تا پایان سوره، بار ارزشی فراوانی دارد. و رسول الله ص هنگام بیدار شدن از خواب، آن­ها را تلاوت می­نمود. به مفاهیم این آیات خوب بیندیش.

11- ابتدای سوره­ی نساء از جزء چهارم شروع می­شود. این سوره بسیار بر حقوق ضعفا و ناتوانان از قبیلِ ایتام، زنان و مستضعفان که قادر به مهاجرت نیستند، متمرکز شده است.

12- بنا بر درگیری­هایی که به سبب اموال و دارایی میان خانواده رخ می­دهد، تقسیم میراث را خودِ الله أ بر عهده گرفته است.

13- پرداخت میراثِ زن، و نزول این آیاتِ مفصّل، آن­هم در زمانی که حق زن از میراث غصب می­شد، مثالی است از مثال­های فراوان، که شریعتِ پاک اسلام به حقوق زن عنایت خاصی دارد.

14- بیان حرمتِ ازدواج با هفت گروه از زنانی که از طریقِ نسب محرم انسان می­شوند. ﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمۡ أُمَّهَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُمۡ وَعَمَّٰتُكُمۡ وَخَٰلَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُ ٱلۡأَخِ وَبَنَاتُ ٱلۡأُخۡتِ وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرۡضَعۡنَكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمۡ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِي دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمۡ تَكُونُواْ دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ وَحَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنۡ أَصۡلَٰبِكُمۡ وَأَن تَجۡمَعُواْ بَيۡنَ ٱلۡأُخۡتَيۡنِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا٢٣﴾ [النساء: 23].

یعنی: «مادران­تان و دختران­تان و خواهران­تان و عمّه­های­تان و خاله­های­تان و دختران برادر و دختران خواهر و آن مادران­تان که شما را شیر داده­اند، و خواهرانِ رضاعی­تان و مادرانِ زنان­تان و آن دخترانِ همسران­تان که در کنار شما پرورش یافته­اند، از آن زنان­تان که با آن­ها آمیزش جنسى کرده­اید- و اگر با آنها آمیزش جنسى نکرده باشید، گناهى بر شما نیست- و همسران آن پسران­تان که از صلب (پشت و نسب) خودتان هستند و آنکه بین دو خواهر جمع کنید، بر شما حرام گردیده است. مگر آنچه گذشته است، که الله آمرزنده مهربان است». سپس در ادامه، سخن از محارمی می­آید که از طریق رضاعت یا شیرخوارگی و ازدواج، مَحرَم می­گردند.

جزء پنجم

1- در این جزء از ارتباطات خانوادگی، خصوصاً مسایل همسرداری و حلّ اختلافات در هنگام بروز، و بیانِ اصل (صلح) سخن به میان می­آید.

2- در آیه­ای که خواهیم آورد دَه حق، بررسی می­شود. وضعیت خود را با آن مقایسه کن و ببین که آیا آن را برآورده نموده­ای! ﴿۞وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا٣٦﴾ [النساء: 36]. یعنی: «و الله را عبادت کنید، و با او چیزی را شریک قرار ندهید، و با پدر و مادر نیکی نمایید، و با خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و بیچارگان و همسایه­ی خویشاوند و همسایه­ی بیگانه و همراه و مسافر و کنیزان و غلامان نیز نیکی کنید؛ همانا الله کسی را که خودپسند و خودستا باشد دوست ندارد».

3- رسول الله ص این آیه را شنید و گریست! آیا می­دانی علت گریه­اش چه بود؟ . ﴿فَكَيۡفَ إِذَا جِئۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةِۢ بِشَهِيدٖ وَجِئۡنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدٗا٤١﴾ [النساء: 41] یعنی: «چگونه خواهد بود آنگاه که از هر امّتی گواهی بیاوریم و تو را به عنوان گواه بر آنان بیاوریم؟».

4- در این جزء برخی از مواقف یهود پیرامونِ وارونه جلوه دادن حقایق و دروغ و حسادت آنان بیان می­شود. این وضعیت را با آن­چه امروز رخ می­دهد، مقایسه کن!

5- ﴿وَلَا تَتَمَنَّوۡاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ﴾ [النساء: 32] یعنی: «و آرزوی چیزی را نکنید که الله برخی از شما را با آن بر برخی دیگر برتری داده است». گروهی از علما می­گویند: وقتی این آیه از مجردِّ آرزو و تمنای دل باز می­دارد، وضعیتِ کسی که منکر تفاوت شرعیِ میان مرد و زن است و فریادِ کنار گذاشتن این قانون را سر می­دهد و خواهان تساوی است، چیست؟ او که به اسمِ حقوق مساوی مرد و زن، به این اندیشه فرا می­خواند!

6- در این آیه­ی کریم از ادای امانت به صاحبش و مراعات عدالت در داوریِ میان مردم، سخن رانده می­شود: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا وَإِذَا حَكَمۡتُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحۡكُمُواْ بِٱلۡعَدۡلِۚ إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا٥٨﴾ [النساء: 58].

یعنی: «همانا الله شما را فرمان می­دهد تا امانت­ها را به صاحبان­شان برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می­کنید دادگرانه داوری کنید، بدون شک الله شما را به بهترین اندرز پند می­دهد، قطعاً الله شنوا و بینا است».

پس به امانتِ تربیت فرزندان، امانتِ اموال و دارایی، و به جانی که در کالبد توست، نگاهی بینداز! در داوری خود بر مردم نظاره کن! خواه در منصبِ قضاوت باشی یا داوری میان دو نفر؛ یا حکم کننده بر اقوال دیگران؛ حتی اگر طرفّ مقابلّ تو، از دگراندیشان باشد. عدل و دادگری همان است که الله ـ از ما می­خواهد.

7- دستور به فرمان­برداری از الله و رسول او و والیانِ امر. و بیان این­که در هنگام­ اختلاف، بازگشت و محلِ رجوع، قرآن و سنّت است.

8- از صفات منافقین، ارجاعِ حکم و قضاوت، به سوی غیر شرعِ الله ـ است. بلکه از ارجاع به شریعت الله أ به جِد باز می­دارند.

9- وجوب کُرنش و تسلیم در برابر حکم الله ـ و رسول ص.

10- این سوره با جدیّت کامل عمل آنان­که بدون تدبر، اندیشه و عمل، قرآن را تلاوت می­کنند، انکار می­کند. الله ﻷ می­فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا٨٢﴾ [النساء: 82]. یعنی: «آیا در قرآن نمی­اندیشند! و اگر از جانب غیرُ الله بود، در آن اختلاف زیادی می­یافتند».

11- دستور به هوشیار بودن در قبال دشمن و تشویق به خروجِ فی سبیل الله در صورت لزوم و عدم وجود موانع.

12- نیم­نگاه و اشاره­ای به خطرِ شیطان و حرص و طمع او در اغواء و فریب دادن ما.

13- خطیر بودنِ قتل ناحقِّ انسانِ مؤمن و وعید بسیار سخت در این باره!

14- بیان پاره­ای از احکام کوتاه خواندن نماز در مسافرت، و ذکر روشی از روش­های نماز خوف (ترس).

15- در ربعِ (یک چهارم) آخر سوره، بحث مفصلی پیرامون برخی از احکام معاشرت و تعاملِ میان همسران از قبیل نافرمانی، عدل و داد، جدایی، با در نظر داشتنِ مراقبتِ الهی ارائه می­شود. پس خوب بیندیش!

16- اسلام نظام خانواده را مقرر و تنظیم و مسئولیت­ها را تقسیم می‌کند. بحث سرپرستی و قیمومیّت در سوره­ی نساء که به حقوق زن اهتمام می­ورزد، ذکر شده است. پس مگر می­شود که سرپرستی علیه زن باشد؟!.

17- باز دوباره بحث ِپیرامون منافقین و دوستی آنان با دشمنانِ الله ـ و تنبلی در عبادات، تکرار می­شود. و سرانجامِ کار آن­ها در قیامت هم ذکر می­شود. پس بر ماست که از روش آنان دوری گزینیم و هوشیار باشیم.

جزء ششم

1- بحثِ اهل کتاب و گفتار آنان به موسی و دیدگاه آن­ها در مورد مریم و عیسیﻹ مطرح می­شود.

2- این سوره، بنا بر خطری که غلوّ و افراط علیه دین دارد، هر چند هم که در پوشش دین ظاهر گردد، نسبت به آن تذکر می­دهد.

3- قسمت اعظم سوره­ی مائده در این جزء آمده است. و نزولِ این سوره در لیستِ آخرین سوره­های دوران مدنی است. این سوره به بحث در مورد عهد و پیمان با خویشاوندان و بیگانگان، بلکه حتی با کفار، عنایتی خاص نموده است. تا فرد مؤمن بر حفظ و نگهداری این اصل بزرگ، تربیت گردد. ﴿أَوۡفُواْ بِٱلۡعُقُودِ﴾ [المائدة: 1] یعنی: «به عهد و پیمان­ها وفا کنید».

4- این سوره متضمّن هجده حکم است که در سوره­­های دیگر یافت نمی­شود. و در آن هیچ حکم منسوخی وجود ندارد. سعی کن این احکام یا برخی از آن­ها را بیاموزی.

5- بحثی مفصل در مورد بعضی از خوراکی­های حرام و بیانِ برخی از حلال­ها را آغاز می­کند.

6- آیه­ی وضو و ذکر بعضی از موجبات وضو وغسل هم در این سوره (مائده) آمده است.

7- خالصانه و برای الله أ گواهی دادن؛ و امر به عدل و داد، حتی با دشمنانی که به آنان بغض داریم. دادگری و عدالت با همگان یک واجب شرعی است.

8- شناختن روش ارتباط اهل کتاب با پروردگارشان و پیامبران­شان، امر مهمی در روش تعامل با آنان خواهد بود.

9- داستان فراخوان موسی ÷ برای ورود به سرزمین مقدس و بیان ارزشِ دعوت به حق و کوشش و تلاش در این راستا. هم­چنین مبادرت ورزیدن به هدایت مردم به سوی کار خیر. و نیز اثر صدق و توکل بر الله أ در نجات یافتن و پیروزی.

10- سخن از خطیر بودن قتلِ ناحق، و زشت و ناپسند بودنِ فساد و فسادکاری و فضل زنده داشتنِ حسّی و معنویِ انسان­ها.

11- ذکر نزول کتاب­های آسمانی از جانب الله أ، و توضیح مفصّلِ حکم کسی که بر اساس کتاب آسمانی، حکم نمی­کند.

12- تحریم دوستی و موالات با یهود و نصارا، و خطیر بودنِ سکوت علما در مقابل تخلّفات شرعی.

13- تکذیب و ابطال شبهه­ی نصارا در مورد عیسی ÷ و عرضه­ی توبه بر آنان بعد از این جریان؛ پاک و منزه است پروردگار بسیار مهربان!.

جزء هفتم

1- این جزء با سخن گفتن از نزدیکترین و دورترین اهل کتاب نسبت به ما، شروع می­شود.

2- بیان پاره­ای از احکام فقهی. از جمله: ذکر کفاره­ی سوگند، حرمتِ شراب و قمار بازی، حرمتِ شکار برای مُحرِم و بیان جزای آن، وصیت هنگام مرگ، بیان گواهان و حکم این­که اگر شاهدهای مسلمان یافت نشدند.

3- گفتگوی بین عیسی÷ و حواریین و بیان لغزش و سؤال­پیچ کردنِ آن­ها در مورد آیه­ای که آنان را به سوی ایمان فرا می­خواند. و این جریان شاهدی است بر فضیلت و بزرگواری صحابه ش که به سبب امتثال امرِ سریع و دوری از منهیّات، از دیگران متمایز شدند. بر خلاف پیروان دیگر پیامبران؛ چنان­که در این داستان و داستانِ سوره­ی بقره شاهد آن هستیم.

4- داستان گفتگوی عیسی ÷ اهمیت صبر و شکیبایی عالم و داعی را در قبال سوال­های طرح شده از جانب پیروانش، بیان می­دارد؛ چرا که او با وجود تلاش و کوشش فراوان، با سؤال­هایی از سوی پیروانش روبرو می­شود که مایه­ی اعجاب است.

5- بیان گفتگویی که میان عیسی÷ و الله صورت گرفت و نیز بیان بی­گناهی و براءت عیسی ÷ در ادعای الوهیت. لذا جای بسی شگفت است که چگونه نصارا ادعای الوهیت برای این پیامبر ÷ را دارند، حال آن‌که وی از این کار اعلان براءت نموده است؟!

6- ابتدا و پیش درآمدِ سوره­ی انعام در اثباتِ توحید، برانگیخته­شدن و نبوت است. پایان سوره نیز همین­گونه است: ﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٦٢ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ١٦٣ قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِي رَبّٗا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيۡءٖۚ وَلَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٍ إِلَّا عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ١٦٤﴾ [الأنعام: 162-164].

یعنی: «بگو: همانا نماز و قربانی من و زندگی و مرگ من برای الله، پروردگار جهانیان است. {162} او را هیچ شریکی نیست و به این فرمان داده شده­ام و من اولین مسلمان هستم. {163} بگو: آیا جز الله پروردگاری بجویم؟ حال آنکه او پروردگار هر چیزی است؟! و هر انسانی که عمل بدی را انجام دهد، عذابش فقط برای خودش است، و هیچ کس بار گناه کسی دیگر را به دوش نمی­کشد، سپس بازگشت همه­ی شما به سوی پروردگارتان است، و او شما را به آنچه در آن اختلاف می­کردید، آگاه می‌سازد. {164}».

7- بنا بر گفتگوی عقیدتی که اثبات می­کند عبادت فقط شایسته و سزاوار الله ـ است نه کسی دیگر، پیوند بسیار آشکاری میان ابتدای سوره­ی انعام و انتهای سوره­ی مائده وجود دارد.

8- پند و نصیحت به آنان که از آیات الهی روی­گردانند و دین حق را تکذیب می­کنند. و نیز تهدید آنان به بلایی که بر سرِ امت­های پیشین و قبل از آن­ها آمده بود.

9- مناظره­ی ابراهیم ÷ با قومش از مهم­ترین مناظرات در راستای اثبات عقیده با دلایل حسی و عقلی است.

10- اصل قرار دادن ایمان در نگرش به مخلوقات و کائنات، اجلال و بزرگداشتِ الله أ را به ارمغان دارد.

جزء هشتم

1- بیان برخی احکام فقهی که مرتبط با عقیده است. و بارزترین آن­: ذکر نام الله ـ بر ذبیحه و حرمت آن­چه نام الله متعال در هنگام ذبح بر آن گرفته نشود. چه برسد به این­که نام معبودانِ باطل مشرکین گرفته شود.

2- دلبستگی به الله أ در هدایت و گمراهی باعث می­شود به پروردگار پناه آوریم تا به ما شرح صدر یا سینه­ای گشوده دهد.

3- توضیحِ برخی از عبادات که شیطان آن­را زیبا جلوه می­دهد: ﴿وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ﴾ [الأنعام: 137]. یعنی: «و این­گونه زیبا جلوه داد» و مشرکین دروغ­پرداز آن را به سرعت فراگرفتند: ﴿فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ﴾ [الأنعام: 137] یعنی: «پس آنان را با دروغ­هایی که می­بافند رها کن». سپس شروع بر ردّ آنان و دروغ­های­شان می­کند.

4- پایان سوره­ی انعام، ده وصیت متنوع را در بر دارد که سزاوار است بعد از فهم و تدبر آن­ها، به آن عمل نموده و فرندان­مان را بر آن تربیت نماییم.

5- ﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٦٢﴾ [الأنعام: 162].

یعنی: «بگو: همانا نماز و قربانی من و زندگی و مرگ من برای الله، پروردگار جهانیان است». این آیه برنامه و رویکرد زندگی مسلمان را ترسیم می­کند؛ زیرا در زندگی و مرگش، جز برای الله ـ وقتی وجود ندارد. بار الاها ما را در زمره­ی این گروه قرار بده!.

6- سوره­ی اعراف با گفتگویی طولانی میان شیطان و آفریدگارش و این­که چگونه پدرمان آدم ÷ را گمراه کرد، آغاز می­شود. و نیز این­که چقدر شیفته­ی کشف عورت آدم و حوّا إ بود. پس آیا از روش­های اغواء و فریب شیطان علیه خودمان درس عبرت می­گیریم؟ و آیا می­دانیم تلاش او در کشف عورت­ها، از کوتاه­ترین راه­هایی است که در گمراه کردن ما به کار می­گیرد؟

7- ﴿ثُمَّ لَأٓتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ وَعَنۡ أَيۡمَٰنِهِمۡ وَعَن شَمَآئِلِهِمۡۖ وَلَا تَجِدُ أَكۡثَرَهُمۡ شَٰكِرِينَ١٧﴾ [الأعراف: 17]. یعنی: «سپس از جلو و از پشت سرشان و از جانب راست و چپ آن­ها می­آیم و بیشترشان را سپاسگزار نخواهی یافت». این آیه بیان مختصری در مورد نقشه­ و برنامه­ی ابلیس در این دنیاست؛ لذا باید مواظب باشیم که مبادا قربانی یا طعمه­ی او گردیم.

8- بعد از ذکر داستان آدم ÷ با شیطان، الله أ ما را چهار بار این­گونه ندا می­دهد: ﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ﴾ یعنی: «ای فرزندان آدم». آیا پند گیرنده­ای هست؟

9- ﴿قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ٣٣﴾ [الأعراف: 33].

یعنی: «بگو: پروردگارم فقط زشتکاری­ها را چه آشکار باشد و چه پنهان، و گناه و ستمِ ناحق را حرام گردانیده است، و (نیز) اینکه چیزی را شریک الله سازید که دلیلی بر آن نازل نکرده است و اینکه چیزی را به الله نسبت دهید که نمی­دانید». برخی از علما می­گویند: این آیه، اصولِ محرّماتِ شریعت­ها را در خود جمع نموده است.

10- گفتگوهای متنوع بین بهشتیان و دوزخیان و اهل اعراف. سعی کن خودت را با یکی از این گروه­ها، تخیّل کنی.

11- در داستان اعراف، صحنه­ای تأثیر بخش از مظاهر رحمت الهی به بندگانش است.

12- وقتی در توصیف دشمنانِ پیامبران علیه پیامبران † چنین می­خوانی: ﴿إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ٦٠﴾ [الأعراف: 60] یعنی: «قطعاً تو را در گمراهی آشکاری می­بینیم»، یا می­خوانی: ﴿إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٖ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ٦٦﴾ [الأعراف: 66] یعنی: «همانا ما تو را ابله و بی­خرد می­بینیم، و تو را از دروغگویان می­پنداریم»، در خواهی یافت که روشِ این گونه از دشمنان، متهم کردن و ابله خواندن بوده است. گر چه این تهمت­ها و نادان خواندن­ها حقیقت هم نداشته باشد! پس معیارِ ضلالت، نادانی­ و کوته­نگری چیست؟

13- این جزء با پنج داستان از داستان­های انبیاء خاتمه می­یابد. لذا باید در اسبابِ هلاکت تکذیب­گران اندیشه نمود و از آن بر حذر بود!

جزء نهم

1- داستان موسی ÷ بزرگترین داستانی است که در این سوره ذکر شده است. و سبب آن ارتباطی است که با یهود و مکر آنان دارد. و نیز به دلیل وجود علما و عمومِ انسان­هایی که در امت ما به یهودیان شبیه­اند. و از آنجا که میان امت اسلامی و بنی اسرائیل تشابه زیادی وجود دارد، می­خواهد به رسول الله ص تسلی و آرامش خاطر دهد.

2- مشکلات و سختی­های موسی ÷ با فرعون بسیار بزرگ بود. و هر چه بر شدت آن افزوده می­شد، بر روی­آوردن موسی÷ به پروردگارش که هرگز او را خوار و ناتوان نمی­کرد، افزوده می­شد.

3- به این افتخار بزرگ نظاره کن: ﴿وَكَتَبۡنَا لَهُۥ فِي ٱلۡأَلۡوَاحِ مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡعِظَةٗ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ فَخُذۡهَا بِقُوَّةٖ وَأۡمُرۡ قَوۡمَكَ يَأۡخُذُواْ بِأَحۡسَنِهَاۚ سَأُوْرِيكُمۡ دَارَ ٱلۡفَٰسِقِينَ١٤٥﴾ [الأعراف: 145]. یعنی: «و در الواح برای او از هر چیزی نوشتیم تا پند و اندرز و روشنگرِ هر چیز باشد، پس آن را با قدرت و توان بگیر و قومت را دستور بده تا نیکوترینِ آن را برگزینند». لذا ارزش کتاب نازل شده، برای رفع درجه­ی بنده در نزد الله کفایت نمی­کند مگر این­که، آن را با تمام توان برگیرد و انسان­ها را به سویش فرا خواند.

4- و چون سختی­ها شدت یافت، راهکار موسی­ ÷ به قومش این بود که از الله یاری بطلبند و صبوری کنند. و به آنان گوشزد کرد که زمین از آنِ الله است و سرانجام از آنِ متقیان! لذا خوب بیندیش.

5- رحمت الله ـ همه چیز را دربر گرفته است. و الله أ فرموده است که آن را برای گروهی خاص از بندگانش مقرر کرده است. ویژگی­های­شان را مد نظر بگیر؛ باشد که در لیست آنان قرار گیری.

6- داستان شهری که در ساحل دریا بود. و سرانجامِ آمران به معروف و ناهیان از منکر و سرانجام اسراف­کاران و متجاوزین.

7- از داستان آن­که الله آیات و نشانه­هایش را به او ارزانی داشت و او از آن­ها دست کشید، درس عبرت بگیر. و ببین که الله ـ بعد از این که به وی مقام والایی داده بود، چگونه او را به نجس­ترین حیوانات تشبیه نمود.

8- بحث پیرامون ابتدای آفرینش. و ابطال سودرسانیِ آنان که به جای الله أ مورد پرستش قرار گیرند.

9- آنگاه که صحابه ش در مورد غنایم جنگی سوال می­کنند، به مهتم­رین مورد گوشزد می­شوند؛ یعنی تقوی و اصلاح­گری میانِ یکدیگر. و جواب سؤال آنان به آیه­ی 41 موکول می­شود. به آنان گفته شد: ﴿۞وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ...﴾ [الأنفال: 41] یعنی: «و بدانید هر غنیمتی که به دست آورید یک پنجم آن از آن الله و پیامبر و... است».

10- توضیح مفصل در مورد جنگ بدر و چگونگی خروج برای آن. و بیان برخی از مواضع ایمانی که در این جنگ حاصل شد.

جزء دهم

1- توصیفِ محل وقوع جنگ بدر و خوابِ پیامبر ص ادامه می­یابد. و اینکه چگونه الله ﻷ آن را مایه­ی آرامش و طمأنینه قرار داد.

1. ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمۡ فِئَةٗ فَٱثۡبُتُواْ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ٤٥ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ٤٦ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرٗا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ٤٧﴾ [الأنفال: 45-47]. یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده­اید! هرگاه با گروهی روبرو شدید، پایداری نمایید، و الله را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید. {45} و از الله و پیامبرش اطاعت کنید، و با همدیگر اختلاف نورزید، که در آن صورت در مانده و ناتوان می­شوید، و شکوه و هیبت شما از میان می­رود. و صبوری کنید که الله با صابرین است. {46} و مانند کسانی مباشید که از روی غرور و سرکشی و برای خودنمایی از سرزمین­شان بیرون آمدند، و مردمان را از راه الله باز داشتند. و الله به آنچه که می‌کنند احاطه دارد. {47}».

این آیات برای پیروزی و مداومت آن و برای بیان مکر و حیله­ی شیطان و جلوگیری از آن و به تصویر کشیدن بزدلیِ منافقین، شش فراخوان دارد که مالامال از پند و خیرخواهی است.

3- پایان سور­ه­ی انفال، بیانگر قویترین پیوندی است که مسلمانان را گِرد هم می­آورد. و آن پیوند برادریِ مشترک برای یاری رساندن به یک پیام و رسالت است؛ نه چیزی دیگر از روابط زمینی.

4- سوره­ی توبه با مشخص کردن مدت­زمان عهد و پیمان­های میان رسول ص و مشرکین، و حالات و جنگ و صلحی که در پیِ آن می­آید، آغاز می­شود. و آن، پیامی بسیار بزرگ در پایبندیِ اسلام به عهد و پیمان­هایش با کفار است.

5- در ابتدای سوره­ی توبه از احکامِ وفا و پیمان­شکنی، و بازداشتن مشرکین از ورود به مسجد الحرام و حرمتِ دوستی با آنان سخن به میان می­آید.

6- در هنگام توان، جنگ با اهل کتاب؛ تا این­که با خواری و زبونی جزیه پرداخت کنند. البته برخی از عقاید و باورهای باطل آنان هم ذکر می­شود.

7- جریان آبادانی مساجد فقط در این سوره ذکر می­شود. و ارتباط آن با ایمان به الله ﻷ و روز قیامت، اشاره­ای به ضرورتِ اخلاص است. و می­گوید: منافقین سزاوار چنین افتخاری نیستند. چرا که آنان اهلیّت و شایستگیِ آبادانی حسی و معنوی را ندارند.

8- اساس و پایه­ی تاریخ، بر مبنای ماه­های هجری است و اصل هم همین است. و همچنین به بیان ماه­های حرام می­پردازد و این ماه­ها عبارت­اند از: رجب، ذوالقعده، ذوالحجه و محرّم. شمارش سال­های شرعی هم بر همین مبناست. و ابطال عادت کفار که در مورد ماه­های حرام مکر و حیله می­کردند هم، بیان می­شود.

9- تشویق مسلمانان برای خروجِ سریع به میادین جهاد؛ البته آن­هم هر گاه که حاکمِ مسلمان برای جهاد فی سبیل الله، فراخوان دهد.

10- این سوره در بردارنده نصی صریح مبنی بر مصارف هشت­گانه زکات است؛ آنجا که الله متعال می­فرماید: ﴿۞إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ٦٠﴾ [التوبة: 60] یعنی: «زکات فقط برای مستمندان، بینوایان، کارگزارانِ جمع آوری زکات، کسانی که از آنان دلجویی می­شود، آزادی بردگان، بدهکاران و در راه ماندگان است. این یک فریضۀ الهی است و الله دانا و حکیم است».

راز و حکمت این کار هم شاید بدین خاطر باشد که در این سوره بحث زیادی از مال و ثروت می­شود. و منافقین هم منتظرند که مال و منالی به دست آورند. علاوه بر آن از حقوق الله ـ در این اموال هم بی­خبرند. چنانکه رویکرد بسیاری از علما و پارسایانِ یهود هم همین بوده است. آنان­که فقط به منعِ زکات اکتفا نمی­کنند بلکه، اموال­شان را برای بازداشتنِ راه اللهأ هزینه می­کنند.

11- سرزنشِ منافقین کاهل و تنبل، و آنان که به دروغ عذر و بهانه آوردند و آنان که بدون عذر موجّه از رفتن به جهاد تخلف ورزیدند.

12- ذکر صفات منافقین و وعید و تهدیدی که الله أ برای­شان در نظر گرفته است. و نیز یادکردنِ صفات مؤمنان و آن­چه الله ﻷ در آخرت به آنان وعده داده است. به قلب و اعضایت نگاهی بینداز و ببین به کدام گروه نزدیکتر هستی.

13- نهی پیامبر ص در کمک خواستن از منافقین برای جهاد. از آنان جز ضرر و زیان، چیزی نصیب مسلمانان نمی­شود. در ادامه از استغفار و درود فرستادن و خواندن نماز جنازه بر آنان هم نهی می­نماید.

14- ﴿ٱلَّذِينَ يَلۡمِزُونَ ٱلۡمُطَّوِّعِينَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فِي ٱلصَّدَقَٰتِ وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهۡدَهُمۡ فَيَسۡخَرُونَ مِنۡهُمۡ سَخِرَ ٱللَّهُ مِنۡهُمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ٧٩﴾ [التوبة: 79].

یعنی: «آنان که از مؤمنان که مشتاقانه و بیش از اندازه به صدقات و خیرات می­پردازند، و نیز از آنان که جز به اندازۀ تاب و توان­شان چیزی را نمی­یابند عیب و خرده می‌گیرند، و آنان را مسخره می­کنند، الله ایشان را مورد تمسخر قرار می­دهد، و عذابی دردناک دارند».

آیه­ی فوق، یکی از پست­ترین اخلاقِ منافقین را که عیب و خرده­گیری به صدقه­دهندگان است، متذکر می­شود. خودشان بذل و بخشش نمی­کردند و خیّرین هم از دست­شان در امان نبودند. لذا مؤمن باید در این زمانه آسوده خاطر باشد. زیرا صحابه­ی رسول ص که بهترین مردمانِ بعد از انبیاء بوده­اند هم از این تمسخر و نیش زبان در امان نماندند.

جزء یازدهم

1- ادامه­ی بحثِ منافقین. سپس ذکر عرب­های نیک و بد. سپس مهاجرین و انصار. گویا این، عملیات تسویه­ حساب با تمام اقشار و طبقاتی است که جامعه­ی مدینه­ را تشکیل می­دهند.

2- آیا تا کنون به کلمه­ی ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ﴾ در این قول الله ـ اندیشیده­ای: ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلۡأَوَّلُونَ مِنَ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحۡسَٰنٖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ١٠٠﴾ [التوبة: 100].

یعنی: «و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، و راه ایشان را به خوبی پیمودند، الله از آنان خشنود است، و آنان از او خشنودند، و الله برای­شان باغ­هایی آماده کرده است که از زیر آن رودها روان است که در آنجا همیشه جاودانند، این است کامیابی بزرگ». سپس این آیات را با آیات سوره­ی واقعه مطابقت بده که می­فرماید: ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ١٠ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡمُقَرَّبُونَ١١ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ١٢ ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ١٣ وَقَلِيلٞ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ١٤﴾ [الواقعة: 10-14]. یعنی: «و پیشی گیرندگانی که پیشتازند. {10} اینان مقرّبان (درگاه الهی) هستند. {11} در باغ‌های پر ناز و نعمت (خواهند بود). {12} گروهی از پیشینیان. {13} و گروه اندکی از پسینیان هستند {14}». حال تلاش کن از آن گروه اندک باشی.

3- ذکر مسجد ضرار و مقصود و نیت بد ساخت آن. به همین منظور اللهأ پیامبرش ص را از نماز خواندن در آن نهی فرمود. سپس مسجدی را نام می­برد که حق­دارتر به برپایی عبادت در آن است. و در این جریان، تذکر و پندی است بر این­که ملاک و ارزش عمل به نیتِ صحیح است نه به مظهرِ آن.

4- ویژگی آنانی که خویشتن را به الله متعال فروختند. و بازداشتن پیامبر ص و مؤمنان از این­که برای منافقین، طلب آمرزش کنند.

5- هنگامی ­که قلب به آتشِ معصیت گداخته می­شود، داستان آن سه نفری را که از جنگ باز مانده و توبه نمودند، به اهلِ قرآن متذکر می­شود. پس آیا شایسته است بدون توجّه و تأمّل از کنار آن گذشت؟

6- اواخر سوره­ی توبه در یک تقسیم بندی، از ارتباط مردم با قرآن سخن می­گوید؛ که شایسته است کمی در آن تفکر شود. تا مبادا از گروه زیانکاران باشی.

7- الله ـ در ابتدای سوره­ی یونس تعدادی از نشانه­های کَونی­اش را ذکر کرده و برای اثبات وجود و عظمت خویش، مثال­هایی می­زند.

8- به مبارزه طلبیدن و تحدی مشرکین با قرآن.

9- بالاترین مقام و درجه­ی بنده این است که دوست الله­ أ باشد. لیکن چگونه می­تواند به دوستی و ولایت دست یابد؟ ﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ٦٢ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ٦٣ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾ [يونس: 62-64]. یعنی: «هان! بی‌گمان دوستان الله بیمی بر آنان نیست و آن­ها اندوهگین نمی­شوند. {62} کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده اند. {63} برای آنان در زندگانی دنیا و آخرت بشارت است». پس هر کس ادعای دوستی و ولایت کند در حالی که عاری و تهی از این مشخصات باشد، دوستی­اش دروغین و توخالی است.

10- بیان قصه­ی نوح ÷ و سپس داستان موسی ÷ و فرعون. و نمایش و بیان لحظه­ی غرق شدن فرعون، تا برای افراد بعد از او درس عبرتی باشد. و این­که ایمان در هنگام سکرات موت ­به انسان فایده نمی­بخشد.

11- بیان این­که الله ـ به پیامبرش دستور می­دهد تا بر ایمان و دنباله­روی از وحی و صبر و شکیبایی، ثابت قدم باشد تا دستور الهی در برپایی قیامت صادر گردد.

جزء دوازدهم

1- ابتدای سوره­ی هود از عظمت الله أ، وسعت علمی و تعهد روزی دادن وی به مخلوقات، سخن می­گوید.

2- از عظمتِ قرآن این است که در مناسبت­های مختلف تکذیب­کنندگان را به جنگ می­طلبد. یک بار از آنان درخواست آوردنِ همانند قرآن را دارد، باری دیگر ده سوره و در آخر آوردن یک سوره را از آنان می­طلبد؛ لیکن آنان با وجودی ­که صاحبان بلاغت و بیان بودند، عاجز ماندند.

3- داستان نوح ÷ و گفتگویی که میان او و قومش رد و بدل شد. سپس دستور الله ـ به وی برای ساختن کشتی، و بیان مفصّل حادثه­ی طوفان. در این داستان درس­های بس بزرگی وجود دارد که در خورِ توجّه است. داستان نوح ÷ در این سوره از همه­ جای قرآن در سیاقی طولانی­تر آمده است.

4- گفتمان نوح ÷ و فرزندش، بیانگر این مطلب است که حب و دوستی اللهأ در دل یکتاپرستان از هر چیز دیگری بزرگتر است. در این گفتگو ادبِ سخن گفتن با خویشاوندِ کافر مراعات شده است؛ حال چه برسد با مسلمانِ گناهکار. باشد که الله أ هدایتش نماید.

5- از داستان هود ÷ می­آموزیم که دستاوردِ استغفار، قدرت حسی و معنوی است.

6- قوم هود او را تکذیب نموده و به جن­زدگی متهم کردند؛ او هم در قبال صبوری و شکیبایی نمود و سرانجام الله ﻷ هم او را نجات داد و رهایی بخشید.

7- این سوره صحنه­ی ­نمایش داستانِ بسیاری از پیامبران و ناملایماتی که در راه دعوت به سوی الله أ چشیدند، می­باشد. در این سوره شاهد شفقت و مهربانی بسیار زیاد پیامبران برای قوم­شان هستیم. اما برای معاند و هواپرست هیچ راه چاره و درمانی نیست.

8- در داستان شعیب توجّه و اهتمام اسلام به بُعد اقتصادی، و ناظر دانستن الله ـ در این مسیر، تجلّی می­کند.

9- اشاره­ای کوتاه به قصه­ی موسی ÷ با فرعون.

10- ترسیم صحنه­ی هولناک از وقایع قیامت و بیان سرانجام سیه­روزان و نیک­بختان.

11- این سوره با دستور به استقامت و پایداری، دعوت و صبر در این مسیر پایان می­یابد. و این بدین معناست که اگر دعوتگر به آن بی­توجه باشد، متوقف خواهد شد؛ بلکه قطعاً زیان خواهد کرد.

12- آغاز سوره­ی یوسف از اهمیتِ رویا سخن می­گوید. گر چه آن که خواب می­بیند، بچه­ای خردسال باشد. و نیز اهمیت گوش فرا دادن به کودکان.

13- در اوایل سوره به حسادت برادران یوسف و آزمایش شدن و مشقت­های یوسف به سبب جمال و زیبایی­اش، اشاره می­شود. لیکن او صبر کرد و نهایت از آنِ او شد.

14- گاه دشمنان تو قصد آزار و اذیّت، بلکه قصد جان تو را می­کنند، اما به یاد داشته باش که: ﴿إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ٩٠﴾ [يوسف: 90] یعنی: «بی‌گمان هرکس تقوا پیشه کند و بردباری ورزد همانا الله پاداش نیکوکاران را ضایع نمی­کند».

15- ذکر داستان کامخواهی زن عزیز مصر و عاملی به نام اخلاص که یوسف را از آن کار بازداشت. تو چه اندازه اخلاص برای مقابله­ی با شهوات داری؟

16- قصه­ی یوسف دلالت بر این دارد که اگر دعوت به سوی الله ـ در دل جای گرفت، صاحب خود را حتی اگر زندانی هم باشد، از دعوت دادن به سوی الله متوقف نمی­کند.

جزء سیزدهم

1- ادامه داستان یوسف ÷ و آمدن برادران نزد او و درخواست یوسف از آن­ها تا برادر پدری­شان را با خود بیاورند. به دلیل حکمت­های زیادی؛ از جمله آزمایشی زیادتر برای یعقوب ÷ و رفعت جایگاه او در نزد الله أ با این آزمایش.

2- یعقوب از فرزندانش ­که تعدادشان زیاد بود، خواست که از یک دروازه وارد شهر نشوند. سخن یعقوب ÷ این مطلب را می­رساند که پرهیز از اسبابی که باعث چشم­شدن یا چشم­زخم می­گردد، شرعاً مذموم و نکوهیده نیست. البته به شرطی که در آن افراط و زیاده روی نشود.

3- شرف­یاب شدن برادران به نزد یوسف، داستان گم شدن پیمانه­ی پادشاه و بیان تدبیر و حیله­ی شرعیِ یوسف برای گرفتن و نگه داشتن برادر حقیقی­اش!

4- داستانی گیرا و تأثیر­گذار از صبر و شکیبایی یعقوب ÷ و گمانِ نیک وی به الله ـ. با وجودی که همه چیزِ پیرامون او تغییر یافته بود، از آن­جا که به الله أ گمان نیک داشت، هرگز از پا در نیامد و استوار ماند که نتیجه­اش گشایش و برون رفت از این امتحان بود. قتاده : می­گوید: هیچ امتحانی بر یعقوب ÷ فرود نمی­آمد مگر این­که در پیِ آن، گمان نیکَش به الله أ هم پدیدار می­شد.

5- نتیجه و أثر دانش و آگاهی نسبت به الله أ و نام­ها و صفاتش در روبرو شدن با قضا و قدرِ سخت و دردناکِ الهی با سلاح حسنِ­ظن یا گمان نیکو. ﴿وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ٨٦﴾ [يوسف: 86]. یعنی: «و از [حکم] الله چیزى مى­دانم که شما نمى­دانید».

6- یوسف عباداتی که او را به این جایگاه رسانده بود، خالصانه ادا کرده بود. او تقوی و صبر را یاد می­کند. پس آن­دو را محقَّق کن به کامیابیِ بزرگ نایل خواهی آمد. ﴿إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾ [يوسف: 90]. یعنی: «در حقیقت هر کس پروا کند و بردبارى ورزد، پس الله پاداش نیکوکاران را فرو نمى­گذارد».

7- یوسف بعد از این صبر و امتحان بزرگ و قدرت یافتن در زمین، شکر و سپاس مداوم، درخواستِ مرگ در حالت اسلام از الله ﻷ، اعتراف به نعمت­هایش و بزرگداشت پدر و مادر را فراموش نکرد.

8- برادرانی که از یکدیگر بریده­اند، به عملکردِ یوسف ÷ با برادرانش نظاره نمی­کنند؟ و نیز به رویکرد و عملکرد رسول ص در روز فتح مکه با اقوام و خویشاوندانش؟

9- این سوره با ذکر آیات و نشانه­های کَونی الله أ و فرستادن پیامبران پایان می­یابد. و می­گوید: این داستان­ها صرفاً قصه­هایی گذرا نیستند! بلکه درس عبرت گرفتن از داستان­های قرآنی را گوشزد می­کند.

10- سوره­ی رعد در سه آیه­ی متوالی که دل را مالامال از هیبت و بزرگی می­کند، با سخن گفتن از کائنات و دلالت آن بر عظمت الله أ آغاز می­شود. سپس، وجوب خالص کردن عبادات برای این آفریدگارِ بزرگ را یاد آور می­شود. باز دوباره به ذکر آیات و نشانه­های بزرگ در آفاق و أنفُس برمی­گردد.

11- ﴿وَلَوۡ أَنَّ قُرۡءَانٗا سُيِّرَتۡ بِهِ ٱلۡجِبَالُ أَوۡ قُطِّعَتۡ بِهِ ٱلۡأَرۡضُ أَوۡ كُلِّمَ بِهِ ٱلۡمَوۡتَىٰۗ بَل لِّلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ جَمِيعًا﴾ [الرعد: 31]. یعنی: «و اگر قرآنى [فرستاده مى­شد] که کوه­ها به آن روان یا زمین به آن پاره پاره مى­شد یا مردگان با آن به سخن آورده مى­شدند [ایمان نمی­آوردند]؛ حقّ این است که [سررشته] کار، از آنِ الله است».

چه سخن حیرت­انگیزی در باب اثر قرآن بر قلب­هایی که در قرآن تدبر کرده و با قرآن زندگی می­کنند.

12- در آیاتِ زیر دَه ویژگی ذکر شده است که هر کس مزیّن به آن­ها باشد، پاداشش باغ و بهشت­های پر نعمت است. ﴿۞أَفَمَن يَعۡلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ ٱلۡحَقُّ كَمَنۡ هُوَ أَعۡمَىٰٓۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ١٩ ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلۡمِيثَٰقَ٢٠ وَٱلَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلۡحِسَابِ٢١ وَٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ٢٢ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَدۡخُلُونَ عَلَيۡهِم مِّن كُلِّ بَابٖ٢٣﴾ [الرعد: 19-23].

یعنی: «آیا کسى که مى­داند آنچه از [سوى] پروردگارت به تو فرو فرستاده شده حقّ است، مانند کسى است که او نابیناست؟ فقط خردمندان پند مى­پذیرند. {19} آنان که به پیمان الله وفا مى­کنند و عهد نمى­شکنند {20} و کسانى که آنچه را الله به پیوسته داشتن آن فرمان داده است، پیوسته مى­دارند و از پروردگارشان مى­ترسند و از سختىِ حساب بیمناکند {21} کسانى که در طلب خشنودى پروردگارشان بردبارى کردند و نماز را بر پاى داشتند و از آنچه روزی­شان کرده­ایم نهان و آشکارا انفاق کردند و بدى را با نیکى دفع مى­کنند، اینانند که سرای آخرت برای آنان است {22} بهشت­هاى فناناپذیر که به آنجا در آیند و [نیز] هر کس از پدران­شان و همسران­شان و فرزندان­شان که نیکوکارند. و فرشتگان از هر در بر آنان وارد مى­شوند {23}».

13- ابتدای سوره­ی ابراهیم با داستان موسی و پیامبران الهی به سوی قوم­شان و چگونگی توکل و شکیبایی آنان در قبال آزار و اذیتی که به آنان رسید و این­که چگونه پیروز شدند، شروع می­شود.

14- یاد صحنه­ای از صحنه­های هولناک قیامت و این­که چگونه شیطان از پیروان خود برائت می­جوید! لذا مواظب باش مبادا شیطان در این دنیا تو را بفریبد؛ چرا که اگر اینجا از او پیروی کردی، پس حتماً در قیامت از تو اعلان برائت و بیزاری می­کند.

15- ضرب المثل­هایی برای کلمه­ی طیبه و کلمه­ی خبیثه؛ سپس شمارش برخی از نعمت­های الله أ بر انسان؛ پس آیا شکرش را به جا آورده­ایم؟

16- در تشریف فرمایی ابراهیم به مکه داستان­هایی زیبا و جالب از توکل و بزرگداشتِ الله ـ وجود دارد.

17- در خاتمه­ی سوره­ی ابراهیم عاقبت ظالمین و مجرمین در روزی که زمین و آسمان­ها دگرگون می­شود، ذکر می­شود. پس وای و هلاکت بر ستمکاران از آن روز بزرگ!.

جزء چهاردهم

1- سوره­ی حجر با صحبت پیرامونِ محافظتِ الله ـ از قرآن کریم و آرامش دادن به رسول ص، با تعریف از رخدادهایی که بر سر برخی از پیامبران پیشین آمده بود، آغاز می­شود.

2- توجه به عظمتِ آفرینش الله أ در هستی و ذکر برانگیخته شدن از قبرها و دلایل امکان چنین رخدادی.

3- ﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡزُونٖ١٩ وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن لَّسۡتُمۡ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ٢٠ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ٢١ وَأَرۡسَلۡنَا ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَسۡقَيۡنَٰكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمۡ لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ٢٢﴾ [الحجر: 19-22]یعنی: «و زمین را گستراندیم در آنجا کوه­هاى [استوار] در انداختیم و از هر چیز سنجیده­اى در آنجا رویاندیم {19} و براى شما در آنجا زیستمایه­ها و کسانى که روزى دهنده آن­ها نیستید، قرار دادیم {20} و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه­هایش به نزد ماست. و آن را جز به اندازه­اى معین فرود نمی­آوریم {21} و بادها را بارور کننده [ابرها] فرستادیم، آن­گاه از آسمان، آبى باراندیم و آن را به شما نوشانیدیم و شما خازن آن نیستید {22}».

این آیات ترس انسان از مسأله رزق و روزی را برطرف و نابود می­کند. مهم، به کار گرفتن اسباب، با توکل بر الله متعال است.

4- بیان مفصل در مورد آغازِ آفرینش انسان و جن و دستور ابلیس به سجده و جواب به جواب ایستادن او در این مورد. و این­که چگونه به سبب کبر و حسادتش، از درگاه الهی طرد و رانده شد. همچنین بیان این­که او می­کوشد تا گناهان را برای­مان زیبا جلوه دهد تا همانند او هلاک شویم؛ پس باید خوب آگاه و بیدار باشیم.

5- وقتی مؤمن دو آیه­ی ذیل را می­خواند، بین ترس و امید به سوی الله ـ طیِ مسیر می­کند. نه ناامیدی و نه هم سهل­انگاری. ﴿۞نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ٤٩ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ٥٠﴾ [الحجر: 49-50]. «بندگانم را آگاه کن که من آمرزنده مهربانم و همانا عذاب من عذابی دردناک است».

6- بیان مفصل داستان ابراهیم ÷. و با وجود مشقت و وضعیت نابهنجار، لفظ مژده و بشارت بار­ها تکرار می­شود. پس چگونه مؤمن بعد چنین حالتی نا امید می­گردد.

7- داستان نوح ÷ بیان می­کند که زیاده­روی در کارهای زشت و قبیح تأثیر فراوانی در بداخلاقی و نابودیِ حیا دارد.

8- در آخر سوره­ی هود، پایبندی به (تسبیح و عبادت) را درمانی می­داند برای کسی که در سینه­ی خویش تنگی احساس می­کند. به سه آیه­ی آخر خوب بیندیش: ﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ بِمَا يَقُولُونَ٩٧ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ٩٨ وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ٩٩﴾ [الحجر: 97-99]. یعنی: «و به راستى مى­دانیم که از آنچه مى­گویند، دلتنگ مى­شوى {97} پس پروردگارت را با ستایش او به پاکى یاد کن و از سجده­کنندگان باش {98} و پروردگارت را تا هنگامى که مرگ به تو رسد، پرستش کن. {99}».

9- سوره­ی نحل، سوره­ی نعمت­ها نامیده می­شود. در آن تأمل کن و بخشنده­ی این نعمت­ها را با­ربار شکرگزار باش. گر چه منظور این سوره از نعمت، نعمت­های حسّی است که متعلق به سواری، لباس، مسکن و مانندِ این­هاست، لیکن به بزرگترین نعمت­ها که نعمتِ نزول قرآن است اشاره می­کند؛آنجا که سه مرتبه آن را متذکر می­شود.

10- در سوره­ی نحل، ادله­ی زیادی بر یکتا دانستن الله ـ در الوهیت و بطلان ادلّه­ی مشرکین وجود دارد.

11- بعد از ذکر نعمت­های فراوان، الله ﻷ داستان روستایی را یاد می­کند که به نعمت­های الهی کفر ورزیدند و در نتیجه الله أ چگونه آنان را عقوبت داد. لذا باید از کفران نعمت برحذر باشیم. تا مبادا آنچه بر سر آن آبادی آمد، بر ما هم بیاید.

12- در پایان سوره به دعوت بر اساس حکمت و پند و موعظه­ی نیک و صبر بر مشکلاتی که داعی در مسیر دعوت می­بیند، تشویق شده است.

جزء پانزدهم

1- آیات آغازینِ سوره­ی إسراء از حقایق مهمی پیرامون مسجد الأقصی، داستان ورود بنی اسرائیل و فسادکاری آنان در آنجا را ذکر می­کند. و می­گوید: به زودی سرانجامِ کار به سود نیکان و صالحان خواهد بود.

2- بیان واضح و روشن مبنی بر این که قرآن در همه چیز، در عبادات، معاملات و غیره، به استوارترین راه رهنمون می­کند.

3- سخن پیرامون دنیا و آخرت و تفاوت تلاشگران به سوی آن: ﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا١٨ وَمَنۡ أَرَادَ ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا١٩ كُلّٗا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنۡ عَطَآءِ رَبِّكَۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحۡظُورًا٢٠ ٱنظُرۡ كَيۡفَ فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ وَلَلۡأٓخِرَةُ أَكۡبَرُ دَرَجَٰتٖ وَأَكۡبَرُ تَفۡضِيلٗا٢١﴾ [الإسراء: 18-21]. یعنی: «هر کس که [آسایش] زودرسِ [دنیا] را بخواهد، در آن، برای هر کس که اراده کنیم هر چه بخواهیم، سریع مى­دهیم، سپس جهنم را برایش مقرّر مى­کنیم که نکوهش شده و مطرود در آن می­افتد {18} و هر کس که [پاداش] آخرت را بخواهد و برای آن در حالى که خود مؤمن است تلاش فراوان کند، اینان سعى­شان مورد حق­شناسی واقع می­شود {19} و به هر یک از اینان و آنان، بخشش پروردگارت را مى­دهیم و عطای پروردگارت، ممنوع [از تصرّف] نیست {20} بنگر چگونه برخى از آنان را بر برخى [دیگر] برترى دادیم و بى­گمان آخرت [به اعتبار] مراتب افزونتر و در افزون­دهى بزرگتر است {21}».

4- بیست توصیه­ی بزرگ متعلق به امور اخلاقی و اجتماعی در آیاتی که با این آیه شروع می­شود: ﴿۞وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ﴾ [الإسراء: 23] یعنی: «و پروردگارت [چنین] حکم کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکى کنید...». تا پایانِ این وصیت­ها: ﴿وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا٣٧ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا٣٨﴾ [الإسراء: 37-38] یعنی: «و خرامان در زمین راه مرو؛ بى­گمان تو نمى­توانى زمین را بشکافى و در بلندى نمى­توانى به کوه برسى {37} همه­ی اینها، بدی­هایش در نزد پروردگارت ناپسند است {38}». حال خوب بنگر در این مورد چه جایگاهی داری!

5- جوابگویی به مشرکین، ابطال شریک خواندن، ذکر گفتگو با ابلیس در هنگام آفرینش آدم ÷، تأکید بر تلاش شیطان در گمراه کردنِ ما، و این­که هر چه انسان پایبند عبودیت الله ـ باشد، از شرّ شیطان سالم­تر می­ماند. ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞ﴾ [الإسراء: 65]. یعنی: «بی­گمان تو بر بندگانم سلطه و قدرتی نداری».

6- راهنمایی‌های الهی به پیامبرمان ص مبنی بر این که حتی به مقدار کم هم به شیطان اعتماد و گرایش نداشته باشد؛ بلکه به پروردگارش پناه آورد. جواب خواسته­های مشرکین را بدهد و پاسخگوی آنان باشد و آیات و نشانه­ها­ی آفرینش الهی را ذکر نماید.

7- در پایان سوره با بیانِ تکذیب موسی توسط فرعون با وجودی که موسی ÷ معجزات و ادله­ی زیادی هم آورده بود، رسول الله ص را دلداری می­دهد.

8- سخن از برخی اهداف و مقاصد نزول قرآن، اثر آن بر قلوبِ اهل قرآن و مراعاتِ ادبِ تلاوت قرآن در هنگام نماز.

9- سوره­ی کهف در بردارنده­ی چهار امتحان وآزمایش است که عبارتند از: دین؛ مال و ثروت؛ علم و قدرت و حکومت، سخن می­گوید.

10- آزمایش دینی در داستان اصحاب کهف جلوه می­کند. این داستان، مثالی زنده و پویاست برای کسی که در ابتدای راهِ حق قرار گرفته است و قصد حرکت در این مسیر را دارد. و این­که سلامت دینی، بسته به دور بودن از اماکن و موقعیت­های فتنه و صادقانه پناه آوردن به الله أ است.

11- امتحان مالی در داستان آن دو مرد که باغدار بودند، تجلی می­کند. یکی آن مالدار که قیامت را تکذیب نمود و دیگری آن فقیر که به الله ﻷ ایمان داشت و سرانجام هر کدام. و این ­که سالم ماندن در این امتحان بسته به شکر و سپاس از بخشنده­ی نعمتهاست و باید که این نعمت در راستای طاعت او تعالی خرج گردد.

12- امتحانِ در مورد علم هم به صراحت در داستان موسی و خضر إ نمایان می­شود. این داستان برای طلاب و دانش­جویان، در ادب، همت و اراده­ی عالی، امر به معروف و نهی از منکر، درس عبرت است. بر طالب علم است که علم و دانش مربوطه را به عالم واگذارد. در مقابل استاد و شیخِ خویش مؤدب باشد و در تحصیل علم شتابزده عمل نکند.

جزء شانزدهم

1- آزمایش قدرت و حکومت، در داستان ذوالقرنین آشکار می­گردد. این داستان نمونه و الگویی است برای افراد صاحب قدرت و نفوذ؛ تا که توان خویش را در برپاداشتن عدل و دادِ میان مردم به کار گیرند.

2- سوره­ی کهف با بیان صحنه­هایی از روزِ حضور در نزد الله ـ و سرانجام کفار و اهل ایمان، خاتمه می­یابد.

3- کلمه­ی رحمت با تمام مشتقات و زیرمجموعه­ی خودش، بیست مرتبه در سوره­­ی مریم تکرار می­شود. پس به اماکن رحمت نگاهی بیندار و به اسبابش بیندیش. باشد که به آن دست یابی.

4- این سوره به صورت غیر مستقیم، از پنج فایده­ی تقوا و پرهیزگاری سخن می­گوید. بکوش تا آنان را پیدا و استخراج کنی.

5- سوره­ی مریم با داستان زکریا ÷ و قدرت الله ـ که بعد از سپید شدن موی زکریا و نازا شدن همسرش به او فرزندی عطا کرد، شروع می­شود. حال آیا کسی بعد از شنیدن این داستان، نا امید می­گردد؟

6- داستان مفصّل ولادت عیسی ÷ از مریم، و سخن گفتنش در گهواره که من بنده و فرستاده­ی الله أ هستم. جای شگفت است آنانی که ادعا می­کنند تابعِ عیسی ÷ هستند و او را فرزند الله ـ می­دانند؟! الله ﻷ بسی بلندمرتبه­تر از این سخن­ها ست!

7- داستان ابراهیم ÷ و مناظره و بحث او با پدرش در مورد پرستش بت­ها. و عطوفت و مهربانیِ ابراهیم با پدرش که باربار می­گفت: ای پدر من (پدرجان)؛ با وجودی که آزر مشرک بود. لذا در این داستان درس بزرگی است برای داعیانِ دین، که در هنگام دعوتِ والدین، با عطوفت و نرمی عمل کنند.

8- داستان بعضی از پیامبران و این­که هر پیامبری ویژگی و صفاتی دارد که در خور تأمل و اندیشیدن است. و باید به دنبال مواضع تأسی و الگو برداری از داستان هر یک از پیامبران بود. مانند صادق بودن در وعده، دستور دادن اهل و خانواده به نماز و زکات در داستان اسماعیل؛ و بر همین منوال تا آخر ... .

9- بعد از آن صحنه­هایی از سرای محشر عرضه می­شود که دل­های مؤمن از هولش به لرزه می­افتد. در پی آن، شبهات کسانی را که گمان می‌کنند الله ﻷ فرزندی دارد، باطل می­نماید. الله أ بسی والاتر از این سخن­هاست.

10- سوره­ی طه با شرح و بسطِ جریان رشد و نمو موسی ÷، تأیید وی از جانب الله أ در دوران کودکی و اوقات ناتوانی، چگونگی حفاظت الله ﻷ از موسی، اجابت خواسته­ها و مهیا نمودن اسباب قدرتِ در دعوت برای وی، آغاز می­شود.

11- تمام حالات خوف وترسی که بر دل موسی در هنگام ارسال به سوی فرعون و قرعه کشی با ساحران پدید آمده بود، به معیت الهی و کمک برادرش هارون و آیاتی که همراهش بود، نابود گردید. پس با الله متعال باش و مضطرب و نگران مشو.

12- ساحرانِ فرعون در ابتدای روز کافر بودند و در آخرِ روز مؤمنانی نیکوکار شدند. سرعت تأثیر ایمان بر آنان را نظاره کن!.

13- ذکر منّت الله متعال بر بنی اسرائیل که آنان را در مسیرِ شام از مصر خارج کرده و به سوی کوه سینا رهنمون کرد. و نیز غرق نمودن فرعون به همراه قومش؛ که بنی اسرائیل نظاره­گر آن بودند. تا بدین وسیله دل مومنان از فرعون و قومش خُنک گردد.

14- سامری گوساله را ساخت تا بنی اسرائیل در غیاب موسی ÷ آن را عبادت کنند. و با تزیین گوساله باطلش را زینت داد تا آن را بر جُهال ترویج دهد. پس از داعیان باطل، هر چند هم که باطل­شان را بیارایند، بر حذر باش.

15- در اواخر سوره­ی طه سخن از آنانی است که از یاد روز قیامت روی­گردانند. و بیانِ صحنه­ای از حالاتِ خواری و هول و هراس که در آن روز به وقوع می­پیوندد.

16- یادآوری عداوت و کینه­ی شیطان با انسان. که داستان آدم ÷ و وسوسه­ی او توسط شیطان از مضمون این یادآوری است. لذا سزاوار است که از دشمنِ اولین پدرِ خود، برحذر باشیم.

17- سوره­ی طه با دلداری به رسول ص در مقابل سخنِ مشرکین به وی و ثبات و پایبندی پیامبر ص بر دین، خاتمه می­یابد. و از مهمترین مواردی که انسان را بر سختی و مشقت دشمنان یاری می­کند، برپا داشتن نماز به روشی است که رضایت بخش باشد.

جزء هفدهم

1- سوره­ی انبیاء با هشدار نسبت به برانگیخته شدن و وقوع قطعیِ آن، و این­که وقوعش نزدیک است، آغاز می­شود. آیا آمادگی­اش را داریم!

2- مجد و عظمت و شرافت بسته به پیروی از قرآن کریم است. ﴿لَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ كِتَٰبٗا فِيهِ ذِكۡرُكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ١٠﴾ [الأنبياء: 10] یعنی: «به راستی برای‌تان کتابی نازل کرده­ایم که آوازه و تعریف شما در آن است، آیا خِرد نمی­ورزید؟!».

3- توضیحِ مفصّل از اثبات توحید، و این­که دعوتِ تمام پیامبران یکیست؛ و آن­هم توحید می­باشد.

4- مناظره و مناقشه­ی عقلی و عرضه­ی ادله­ی حسّی قابل رؤیت که بر یگانگی الله ـ دلالت دارد.

5- دَمی از عذابِ الهی برای فراموشی کلّ نعمت­ها و خوشی­ها کافیست. به این آیه بیندیش: ﴿وَلَئِن مَّسَّتۡهُمۡ نَفۡحَةٞ مِّنۡ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ٤٦﴾ [الأنبياء: 46]. یعنی: «و اگر شمّه ای از عذاب پروردگارت بدیشان برسد خواهند گفت: وای بر ما! به راستی که ما ستمگر بوده­ایم».

6- داستان نابودی بت­ها به دست ابراهیم ÷ مدل و الگویی زیبا در کارآزمودگی، حکمت و توکل قوی بر الله ـ است.

7- شرح و بسط داستان بسیاری از پیامبران و چگونگی هلاکت مخالفین آنان به دست الله أ و عزّت دادن به دوستانِ خویش.

8- الگویی بسیار زیبا از ارتباطِ قوی و محکمِ پیامبران با آفریدگار و نجات آنان در لحظات سخت و دشوار، در سوره­ی انبیاء.

9- این سوره با ذکرِ عاقبت مشرکین و معبودان آنان پایان می­یابد. سپس به توحید فرا می­خواند.

10- سوره­ی حج با ترساندن مردم از هول و هراس زلزله­ی قیامت، و بر حذر داشتن از اتّباع شیطان، شروع می­شود.

11- جدال مشرکین در مورد انکار برانگیخته شدن بعد از مرگ و استدلال به ابتدای آفرینش انسان و زنده کردن زمینِ مرده و بی­جان.

12- توضیح چگونگی فرض شدن حج و ذکر برخی از ارکان و مستحبات آن؛ البته با تمرکزی روشن بر اعمال قلب.

13- بزرگداشتِ شعائر و نشانه­های حج و این­که خودِ قربانی یعنی بزرگداشت الله ﻷ. و آن را از عادات خارج کرده و در لیست عبادات به شمار می­آورد.

14- ذکر اخراج مهاجرین از سرزمین و کاشانه­شان؛ و سخن از شروط قدرت و تمکین در زمین.

15- ذکر بعضی از اقوام که پیامبران­شان را تکذیب کردند. و در ادامه ذکر برخی از مکر و حیله­ها و فتنه­های شیطان.

16- ذکر دلایل بر وجودِ قدرت الله أ و برخواستنِ بعد از مرگ و اعتراض و احتجاجِ مشرکین.

17- این سوره با دعوت به جهاد و برپایی نماز و چنگ زدن به الله أ خاتمه می­یابد.

جزء هجدهم

1- در ابتدای سوره­ی مؤمنون، صفات و ویژگی­هایی را خواهی خواند؛ آیا از خود پرسیده­ای چند صفت از آن­ها را در خویش محقق نموده­ای؟

2- به داستان نوح ÷ نظاره کن که چگونه الله أ به او یادآوری می­کند تا برای نجاتش از قوم ظالم او را حمد و ستایش کند.

3- مختصر تعریفی از داستان برخی از پیامبران †، جهت دلداری و تسلّی قلب رسول ص .

4- نمایش لحظه­ی احتضار و مرگ، دمیدن در صور، سرانجام آنان که آیات الهی را تکذیب کردند و وعید سخت به آتش جهنم برای آن­ها از جانب الله ـ.

5- اولین سوره­ی مؤمنون این آیه است: ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ١﴾ [المؤمنون: 1] یعنی: «قطعاً مؤمنان رستگار شدند». و آخرِ آن آیه­ی: ﴿إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ١١٧﴾ [المؤمنون: 117] است. یعنی: «بی‌گمان کافران رستگار نمی­شوند». چه فرقِ بزرگی!

6- سوره­ی نور با بیان حّد زنا، تهمت و حکم لعان شروع می­شود. گویا این سوره به منزله­ی دیوارهای محکمی است برای پیشگیری از زنا و انتشار آن در جامعه.

7- داستان اِفک (تهمت به عایشه ل) به ما تحقیق، مطمئن شدن و نگهداری زبان را می­آموزد. و بیان می­دارد که تهمت زدن چه پیامد مخرّبی دارد.

8- از این حادثه مناقب و فضیلت مادرمان عایشه ل آشکار می­گردد. لذا از تکذیب­کنندگانِ قرآن بر حذر باش.

9- نکوهیدن کسی که دوست داشته باشد زنا و کار فحشا را میان زنان و مردان مؤمن پخش ومنتشر کند. چرا که این کار تأثیر زیادی در فاسد کردن جامعه دارد.

10- دستور به چشم پوشی و نادیده­گرفتن اذیت و آزار. خصوصاً اگر آزار دهنده از اقوام و بستگان باشد.

11- دستور به اجازه گرفتن در هنگام ورود به خانه و همچنین چشم فروبستن و پاکدامنی یا حفظِ شرمگاه.

12- راهنمایی و هدایت به ازدواج و اشاره به این­که الله ﻷ ثروت و توانمند شدن را تکفّل کرده است. و بیان این­که باید هنگام ناتوانی از ازدواج، عفت و عزت نفس داشت. و همچنین حرمت زنا را هم بیان می­دارد.

13- به مثالی که الله ـ در مورد نورش می­زند بیندیش. از آفریدگارت بخواه که تو را به آن نور رهنمود کند. سپس ببین در مورد آنان که از نور الهی محروم گشتند، چگونه مثال می­زند. و نجات را از پروردگارت طلب کن. و چه بسیار افرادی را که با وجودِ مدارک عالی، از این نور محروم نموده است!.

14- سخن از برخی صفات منافقین، بیان صفتِ رویگردانی از حکم الهی!

15- الله أ در صورت محقق شدنِ سه شرط به اهل ایمان وعده­ی قدرت و جانشینی در زمین را داده است: برپاداشتن نماز، پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر.

16- بیان مفصّلِ احکامِ اجازه خواستن کودکان در هنگام ورود به خانه؛ ذکر حجابِ پیرزنان. تمام این موارد، از دیوارهای عفاف است که سوره­ی نور آن را بنا نهاده است. سپس از حکم ِخوردن در خانه­ی خویشاوندان سخن به میان می­آید.

17- در پایان سوره دعوت و فراخوان به ادب در هنگام تکلّم با رسول الله ص ارائه می­شود.

18- سوره­ی فرقان با تمجید از ذاتی شروع می­شود که فرقان (قرآن) را نازل نمود. تو چه بهره­ای از این قرآن برده­ای؟

19- ابطال شبهات مشرکین، پیرامونِ قرآن و رسول الله ص.

جزء نوزدهم

1- صحنه­هایی از قیامت، بیان خطرِ دوستان ناباب. پس قبل از این که انگشت ندامت را بگزی، مواظب باش!.

2- ذکر برخی مثال­ها از هلاکت امت­های تکذیب کننده، توسط الله ـ، و انگشت اشاره به کفار قریش؛ که اگر بر باورتان پافشاری کنید، عاقبت شما هم این­چنین خواهد بود.

3- استدلال به برخی از مخلوقات جهت اثبات یگانگیِ الله أ در آفرینش. پس به کتاب آفرینش بنگر که ایمانت افزون می­گردد.

4- وقتی ویژگی­های عباد الرحمان را در آخر سوره­ی فرقان می­خوانی، به چه می­اندیشی؟ آیا عزم خویش را جزم کرده­ای که مزیّن به صفات آنان شوی؟

5- ابتدای سوره­ی شعرا با دلداری به رسول الله ص در مقابل رنجی که از رویگردانی قومش می­کشید، آغاز می­شود.

6- این سوره چندین داستان بیان می­دارد که همگی برای تثبیت رسول الله ص می­باشد. به همین منظور تمام داستان­ها با این فرموده­ی الهی پایان می­یابد: ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ٩﴾ [الشعراء: 9] یعنی: «و بدون شک پروردگار تو بسیار چیره و بی­نهایت مهربان است». لیکن بسیاری از مشرکین ایمان نمی­آورند. الله متعال هم غالب و قادر است که بر آنان عذاب فرو فرستد و او بر پیامبرانش بی­نهایت مهربان است. پس آنان را بر دشمنان­شان یاری نمود.

7- در داستان موسی ÷ قدرتِ اعتماد بر الله أ در سخت­ترین شرایط، آشکار می­گردد. ﴿قَالَ كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ٦٢﴾ [الشعراء: 62]. یعنی: «(موسی) گفت: هرگز! قطعاً آفریدگارِ من، با من است؛ خیلی زود رهنمودم می­کند». واقعاً چه یقین بالایی!.

8- قلب سالم آن است که صاحبش را در روز قیامت سود بخشد. آیا دل­های­مان را شکافته­ایم که سالم­اند یا نه؟

9- وقتی نوح ÷ قومش را امر به معروف و نهی از منکر نمود، او را به اخراج و رجم تهدید کردند! و ما امروزه با سخنی زودگذر مورد اذیت و آزار قرار می­گیرم؛ فرقِ میان این دو چه بسیار است.

10- هود ÷ نعمت­هایی را برای قومش یادآور شد و گفت: سپاس و شکرگزاریِ (جواب) این نعمت­ها، تقوا و پرهیزگاری است.

11- در داستان پیامبر الهی، صالح ÷ بیدارباشی است بر این­که نباید از اسراف­کاران و مفسدین اطاعت کرد. مبادا که تو را بفریبند و به فتنه اندازند.

12- خطر جدیِ موافقت یا راضی بودن به منکر؛ حتی اگر صورت هم نگیرد!. ببین سرانجام زنِ لوط ÷ چه شد.

13- الله را آن­گونه عبادت کن که گویا او را می­بینی، اگر تو او را نمی­بینی، او که نظاره­گر توست، در داستان شعیب ÷ و پایانِ سوره­ی شعراء جلوه می­کند: ﴿ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ٢١٨﴾ [الشعراء: 218].

یعنی: «معبودی که چون برمی­خیزی تو را می­بیند».

14- این سوره با اشاره به شأن و منزلت قرآن کریم و امر به دعوت به سوی الله أ خاتمه می­یابد.

15- ابتدای سوره­ی نمل می­گوید: قرآن برای کسی که چندین صفت در او یافته شود، هدایت و مژده است. پس آن­ها را پیدا کن.

16- در داستان موسی با فرعون، بازتابِ تکبر و ظلم در انکارِ آیات الله أ، روشن می­گردد.

17- در امانت­داریِ هُد­هُد و حرص او بر توحید، و از خود بی­خود نشدن در مقابل نعمت­های دنیا که در نزد کفار دید؛ اندیشه کن؛ لذا توحید چیزی است که حیوانات بر اساس آن آفریده شده­اند؛ چه برسد به انسان­های مکلَّف.

18- داستان سلیمان ÷ و سبأ بیان می­دارند که چگونه پادشاهی و قدرت در اطاعت الهی و در معصیت به کار گرفته می­شود.

19- در داستان قوم صالح ÷ مشخص می­گردد که هر چند حیله­گران، مکر و دسیسه کنند، الله أ هم علیه آنان تدبیر می­کند و آنان نمی­فهمند.

جزء بیستم

1- داستان لوط ÷ از این خبر می­دهد که وضعیت مفسدین به جایی می­رسد که به اقامتِ پاکان در میان خویش راضی نمی­شوند!.

2- در سوره­ی نمل پنج سؤال مطرح می­شود که پایه و بنیان توحید را ترسیم و حقیقت را برای هر خردمندی تشریح می­کند. پس خوب به آن بیندیش و تدبر کن.

3- سوره­ی نمل با ذکر برخی از صحنه­های قیامت پایان می­یابد. و از هولِ این صحنه­ها، قلب به لرزه در می­آید.

4- سوره­ی قصص با آرامش دادن به مؤمنان در مورد آینده­شان، و این­که الله ـ در زمین به آنان قدرت خواهد داد، آغاز می­گردد. این جریان در خلال شرح مفصّلِ داستان ولادت موسی، پرستاری، شیردهی و تربیت وی در قصر فرعون آشکار می­گردد.

5- این سوره از خلال عملکرد تعدادی از زنان، به نقشِ زن در خدمت­کردن به دین الله أ اشاره می­کند. از جمله: مادر و خواهر موسی ÷ و نیز آن خانم که به استخدام موسی ÷ برای چوپانی مشورت داد.

6- اشاره به داستان قتلِ آن قبطی؛ و این که هرگز موسی ÷ به کشتن انسان بی­گناهی افتخار نکرد؛ بلکه به گناه خویش اقرار و اعتراف نمود و آمرزش طلبید.

7- آمدن آن زن (دختر شعیب÷) نزد موسی در حالی که با حیا و شرم گام بر می­داشت، به چه چیز اشاره می­کند؟ حیا و آزرم عطر زندگی است. و زمانی که خانم آن را از دست داد، هیچ خیری در او نیست.

8- بازگشت موسی ÷ به همراه خانواده به سرزمین خویش، کمک به وی به پشتیبانی برادرش، اشاره به این دارد که دعوتگر از یارانی که او به کمک کنند، بی­نیاز نیست. و گاهاً جز الله ﻷ هیچ یاوری یافته نمی­­شود. چه سرور و یاور نیک، و چه مددکار و کمک کننده­ی خوبی است!

9- ملزم نمودن مشرکین به تصدیقِ رسول ص. چرا که او ص داستان بنی اسرائیل را به آنان تعریف می­نمود در حالی که خود شاهد آن نبوده­ است.

10- بیان قدرت الله ـ در پی­در­پی آوردن روز و شب. که اگر می‌خواست یکی از آن دو را همیشگی و مستمر قرار می­داد. و اگر چنین می­شد، مصالح عباد تعطیل می­گشت.

11- داستان قارون و ثروتش می­گوید: اگر شخص حق ِالله أ در ثروت خویش را نداند، توانگری و ثروتش بر او شوم و وبال خواهد بود.

12- در پایان سوره­ی قصص چنان که به بازگشت موسی ÷ به سرزمینش اشاره می­کند، می­گوید: ای محمد ص تو هم چنین خواهی نمود. لذا می­بینیم پیامبر ص در آخر پیروز و یاری شده به وطن خویش بازمی­گردد.

13- اول سوره­ عنکبوت سخن از آزمایش­ها و امتحاناتی است که بر سر راهِ داعی قرار می­گیرد. امتحانِ خانواده، عذاب جسمی، آزمایش دنیوی و امتحان طولِ مسیر دعوت. و در لابلای این جریان و خصوصاً در آخر سوره، برون­رفت از این امتحانات بیان می­گردد. ﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ﴾ [العنكبوت: 69]. یعنی: «و کسانی که در راه ما کوشش کنند، قطعاً آنان را به راه­های خویش رهنمود می­گردانیم».

14- نمونه­ها و مدل­های متوالی از مجازات اقوام، دائماً ما را به فکر وا می­دارد که از چنین عقوبت­هایی در امان نیستیم.

جزء بیست و یکم

1- دستور به بهترین روشِ گفتگو با اهل کتاب. پس گمانِ تو در مورد گفتگو با برادر مسلمانت چیست؟!

2- پایان سوره­ی عنکبوت به اندیشیدن در جهان و کائنات دعوت می­دهد. و این که تلاش و کوششِ مستمر، به رسیدن به هدف منجر می­شود.

3- سوره­ی روم با ذکر شکست روم آغاز می­شود. و وعده­­ی پیروزی قریب الوقوع آنان را می­دهد. و این­که الله أ هر کس را که بخواهد یاری می­کند.

4- ببین الله ﻷ چگونه مشرکین را به سبب غفلتِ آنان از آخرت، سرزنش می­کند. پس خوب دانستی که چسبیدن به دنیا و به فراموشی سپردن آخرت، چه بیماری و درد بزرگی است.

5- دعوت به اندیشیدن در نشانه­های الهی نسبت به آفرینش انسان، رفت و آمد متوالی شب و روز، و فرو فرستادن باران و غیره.

6- دعوت به پایداری و ثبات بر فطرت (اسلام) و اشاره به این که عاملِ پیدایش فساد و تباهی، عملکرد خود انسان­هاست. لذا تو کمکی در پیدایش آن نباش.

7- بازگشتن به ذکر برخی از نشانه­های الله ـ در جهان، و در پایان دعوت به صبر و شکیبایی.

8- ابتدای سوره­ی لقمان در وصف محسنین و پاداش آنان است. در ادامه، یاد و جزای آنانی می­آید که مرتکبِ سخنان لغو و بیهوده (از جمله ترانه و موسیقی) شده­اند.

9- وصیت و پند و اندرزِ لقمان ÷ به فرزندش با توحید، سپس نیکی به پدر و مادر و برخوردِ نیک با آن­ها حتی اگر مشرک باشند! شروع می­شود. می­بینیم پندِ لقمان با مقدم نمودن اصلاحِ عقیده بر اعمالِ بدن و جوارح آغاز شده است. خوب به این مسئله بیندیش! و آن را به سخنِ این سوره در مورد دلایل توحید در جهان هستی، پیوند بده. و این­که چگونه مشرکین در هنگام سختی و مشقت­ها به الله أ رجوع می­کنند و در راحتی و آسایش دوباره شرک می­ورزند!

10- در ختام ِسوره، دعوت به آمادگی برای روز قیامت آمده است. و اشاره به کلیدهای غیب می­کند که جز الله أ کسی آن را نمی­داند.

11- آغاز سوره­ی سجده، سخن از ابتدای آفرینش مخلوقات و انتهای آفرینش و عاقبتِ آنان می­آید. یا به سوی بهشت و یا آتش!

12- سوره­ی سجده برخی از صفات و فاکتورهای مؤمنان را یادآور می‌شود. و می­گوید: بارزترین ویژگی­هایی که انسان را به پیشوایی و امامت دینی می­رساند، صبر و یقین است.

13- در پایان این سوره به اندیشیدن در آیات الهی و روی­گردانی از معاندین، فراخوان داده می­شود.

14- سوره­ی احزاب با فراخواندن پیامبر ص به تقوا و پروای الله ـ شروع می­شود! آیا تو وقتی چنین درخواستی از تو بشود، خشمگین می‌شوی؟

15- اشاره به امّهات المؤمنین و بیان این­که حرمت آنان در ازدواج، همانند حرمتِ مادرانِ حقیقی و نسبی است.

16- صحنه­هایی بسیار رسا و بلیغ از غزوه­ی احزاب، از وضعیت و رویکرد مسلمانان و منافقین در سختی­های جهاد پرده برمی­دارد.

جزء بیست و دوم

1- بیان وضعیت رسول الله ص با همسرانش و دستور الله ـ به آنان تا نعمت الهی که نعمتِ نزول وحی و سنّت در خانه­های­شان بود را، یادآور باشند. پس آیا این را درک می­کنیم که خیر و نیک بودن خانه­های­مان به همان اندازه­ای است که با تلاوت قرآن و اجرای سنت، آباد می­شود؟

2- هشدار و یادآوری به فضیلت آل بیت پیامبر ص که الله از ایشان راضی بادا. و نیز فضیلت مردان و زنان مسلمان به صورت عام.

3- اشاره به برخی از احکام مربوط به طلاق و حجاب امّهات المؤمنین. الله رحمت کند زنی را که آنان را الگوی خویش قرار دهد.

4- تمرکز واضح و روشن بر حجاب و آداب آن و ارتباط آن با تسلیمِ شدن در مقابل دستور الله أ. و هشدار و برحذر داشتن از منافقین و روش­های آنان؛ زیرا در هیچ سوره­ای بحث حجاب نشده است، مگر این­که از منافقین هم آنجا یاد شده است.

5- در پایان سوره، عاقبت و سرنوشت کافران و پیروان آن­ها ذکر شده است و همچنین امانتی که انسان آن را بر دوش گرفت، یادآوری شده است. پس باید نگاه کنیم آیا از کسانی هستیم که آن را صادقانه قبول کردیم یا در آن کوتاهی نمودیم.

6- سوره سبأ با خط بطلان کشیدن بر قواعد و قوانین شرک و ادعای انکارِ برانگیخته­ شدن، آغاز می­گردد.

7- رویکرد پیامبران † در تعامل و برخورد با نعمت­های الهی، شکرگزاری بوده است؛ حال ببین که بسیاری از مردم آن را نادیده می­گیرند و کفران نعمت می­کنند.

8- در جدال میان پیروان و نافرمانان و سرکشان، اشاره­ای است به اهمیتِ تصمیم­گیریِ درست در پیروی کردن؛ تا مبادا پشیمان شویم.

9- سوره با دعوت مشرکین به تفکر و اندیشیدن و ترساندن آنان از روزی که ایمان آوردن در آن سودی نمی­بخشد، خاتمه می­یابد.

10- آغاز سوره­ی فاطر حاملِ یادآور شدنِ مردم به نعمت­های الهی و هشدار آنان از فریب دنیا و شیطان، یادآوری به عظمت الله أ و نیاز مبرم مخلوقات به وی است.

11- قانونی از قوانین ایمان که باعث سرازیر شدنِ رضایت و یقین قلبی می­گردد، در اول این سوره ذکر می­شود. شایسته است که آن را مدّنظر قرار دهیم: ﴿مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحۡمَةٖ فَلَا مُمۡسِكَ لَهَاۖ وَمَا يُمۡسِكۡ فَلَا مُرۡسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ٢﴾ [فاطر: 2]. یعنی: «(درِ) رحمتی را که الله برای مردم می­گشاید، برای آن (رحمت) هیچ بازدارنده­ای نیست، و الله هرچیزی را که باز دارد جز او گشاینده و رهاکننده­ای ندارد و او توانا و باحکمت است». پس باید که قلبت محتاج و متوجه الله أ باشد.

12- بیان دسته­های مختلفِ مردم که کتاب را به میراث بردند و جزای مؤمنین و کفّار. پس برای خود، جایگاهی جلوتر از آنان که به قرآنِ نازل شده بر رسول ص لبیک گفتند، پیدا کن و بیاب.

13- سوره با لگدمال کردن مشرکین با دلایل واضح و مبرهن پایان می­یابد. و در آخر، یک قاعده­ی قرآنی مطرح می­کند و آن اینکه یقیناً نیرنگ­های زشت، دامنگیر اهلش می­گردد.

14- ابتدای سوره­ی (یس) از قرآن و دعوت دادن مشرکین توسط رسول الله ص سخن می­گوید.

15- به ساکنان روستایی که پیامبران را تکذیب کردن مثال زده می‌شود.

16- داستانی شگفت­انگیز از آن مؤمنی که به قومش دلسوزی و شفقت داشت و وارد بهشت شد، ذکر می­شود. ابن عباس ب این فرد را حبیب نجّار معرفی کرده است. و این داستانی است که فقط در همین جا یاد شده است.

17- از بارزترین درس­های فرا گرفته شده از داستان حبیب این مورد است: دلسوزی بی­نظیر او برای قومش، که حتی بعد از ورود به بهشت هم این آرزو را در سر داشت. او می­گفت: ﴿قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ٢٦ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ٢٧﴾ [يس: 26-27]. یعنی: «بدو گفته شد: وارد بهشت شو گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند!{26} که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و مرا از زمره­ی گرامیان قرار داد{27}».

آفرین بر قتاده باد آنگاه که گفت: با مؤمن، فقط در حالت خیرخواهی برای او روبرو شو و هرگز او را فریب مده و به او خیانت نکن. و چون پاداش و کرامت الهی را تجربه کرد، گفت: ﴿قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ٢٦ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ٢٧﴾ [يس: 26-27]. یعنی: «بدو گفته شد: وارد بهشت شو گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند!{26} که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و مرا از زمره­ی گرامیان قرار داد{27}». خواستار این است که قومش آنچه را که او از کرامت و بخشندگی الله متعال دیده، بدانند.

جزء بیست و سوم

1- این جزء با توضیح نگاه­ها و نگرشها به آیات الله أ در کائنات، دعوت مشرکین به ایمان و هشدار نسبت عبادت ِشیطان شروع می­شود.

2- با تأکید بر قدرت داشتن الله ﻷ بر مخلوقات و دوباره زنده کردن آنان به انتها می­رسد.

3- ابتدای سوره­ی صافات بنا بر آفرینش مخلوقاتِ بزرگی که جز الله متعال کسی قادر به آفریدن آن نیست، وحدانیت و یگانگی الله ـ را اثبات می­کند.

4- پیرامون زنده­شدن دوباره و سزا و جزا و ذکر بهره­مند شدن مؤمنین از نعمت­ها و عذابِ تکذیب­کنندگان، بحث می­شود.

5- نمونه­هایی از گفتمان میان بهشتیان و دوزخیان، خطیر بودن همنشین بد را مشخص می­نماید.

6- پروردگار تو بهترین اجابت کننده­ی دعاهای بندگان است! آیا در طلب از وی اسرار و پافشاری نموده­ای؟ ببین: ﴿وَلَقَدۡ نَادَىٰنَا نُوحٞ فَلَنِعۡمَ ٱلۡمُجِيبُونَ٧٥﴾ [الصافات: 75]. یعنی: «و به راستی نوح ما را به فریاد خواند و ما بهترینِ پاسخ­دهندگان بودیم».

7- تسلیم ابراهیم و اسماعیل إ در برابر دستور الهی، از زیباترین مثال­ها در اثرِ تربیتِ نیک، و بیان عاقبت به­خیری آن است.

8- انتهای این سوره هم به ابطال برخی از شبهات مشرکین و بیان این­که سربازان الله أ یاری­شوندگان هستند، می­پردازد.

9- سوره­ی (ص) از انواع دشمنی­های زمینی و آسمانی صحبت می­کند. سعی کن آن را بررسی کنی. و در پایان چه کسی به خاطر دفاع از حق یاری خواهد شد؟

10- در سوره­ی (ص) آرامش دادن و دلداری به پیامبر ص و درخواستِ از وی که به پیامبران پیشین اقتدا کند و این­که آنان † چگونه در امتحانات صبوری کردند، بیان می­گردد.

11- ببین که الله ﻷ چگونه برای سلیمان ÷ چیزهایی را مسخر و مطیع نمود که برای هیچ کس در زمان وی نبود. اما این کار او را به تکبر وا نداشت؛ بلکه شکر نمود و این نعمت­ها را در راه رضای الله متعال به کار بست.

12- نگاه کن که پیامبران † چه ادبی در دعا کردن داشتند: ﴿وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَآ أَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ٤١﴾ [ص: 41]. یعنی: «و ایوب را (یاد کن) بدانگاه که پروردگار خود را به فریاد خواند (و گفت): بی‌گمان بیماری به من رسیده است و تو مهربانترین مهربانان هستی».

13- توصیف پایانِ کار پرهیزگاران و سرکشان. سپس عرضه­ی داستان ابلیس و امتناع او از سجده به آدم ÷ به سبب تکبر و خود بزرگ­بینی. و این چیزی است که در قصه­ی این دشمن ملاحظه می­شود. لذا بر ماست که از اخلاق او برحذر باشیم.

14- سوره­ی زمر را می­توان گفت سوره­ای است که سخنش به مسئله­ی اخلاص اختصاص یافته است. پس در عبادات خویش به دنبال این مفهوم بزرگ باش.

جزء بیست و چهارم

1- افتتاح این جزء سخنِ پایانی در مورد خالص گرداندن توحید، و وعید برای مشرکین است. آنانی که ریشه و بنیان توحید را در اعمال­شان نابود کردند. در نتیجه کردارشان نابود گشت و از زیانکاران گشتند.

2- جای ناامیدی از رحمت الله ـ وجود ندارد. چرا که الله ﻷ تمام گناهان را می­آمرزد. هر اندازه هم که شنیع و زشت باشد. پس برای ورود به باغ توبه شتاب کن؛ زیرا که آن، حاصل و نتیجه­ی یک عمر است.

3- آیا به صحنه­ی بردن گروه گروهِ کفار به سوی جهنم و به بردن متقیان به سوی بهشت اندیشیده­ای؟ عملکرد متقیّان را داشته باش تا به فضل و رحمت الهی با آنان همراه باشی.

4- ابتدای سوره­ی غافر بیانگر این است که الله أ می­آمرزد، توبه را قبول می­کند و معاندین و سرکشان را سخت عقوبت و مجازات می­دهد.

5- و در این سوره از جدال به حق و ناحق­ سخن به میان می­آید.

6- سوره­ی غافر مژده و خبری خوش برای توبه­کنندگان است. همین شرافت و منزلت برایشان بس که فرشتگان برایشان آمرزش می­طلبند.

7- سخن از اسیر ماندن عقل­ها نسبت به روز قیامت و نمایان شدن ملک و پادشاهی الله أ در آن روز است.

8- در داستان مؤمنِ آل فرعون، نمونه و الگویی است از یک دعوتگر که قومش را نصیحت می­کند و با دلیل و مدرک بحث و مناقشه می­کند؛ چرا که مجردِ احساس کفایت نمی­کند.

9- توضیح و تفصیل بسیاری از نعمت­های الله ـ و نهایت آنان که در آیات الله مجادله کرده و جواب به جواب می­ایستند.

10- سوره­ی فصلت در مورد قرآن کریم و برخورد دشمنان معاند و لجوجِ با آن، سخن می­گوید. و با وجود ضعف و ناتوانی­ای که دارند، عدم استجابت قرآن از جانب آنان را عیب و خرده می­گیرد. حال آنکه آسمان­ها و زمین با وجود عظمت و بزرگی، دستور الله ـ را پذیرفته­اند.

11- بیان جدی بودن خطرِ دوستان ناباب و این که آنان کفر و گمراهی را برای همراهان و دوستان خویش مزیّن و آراسته می­کنند.

12- تصریحی واضح از این­که کفار بسیار مشتاق هستند تا مردم را از گوش فرا دادن به قرآن باز دارند. زیرا باور قطعی دارند که قرآن در دل­ها و درون تأثیر می­گذارد.. و امروزه آنان در اوج خباثت و حیله­گری قرار دارند. به این آیه نظاره کن: ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسۡمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَٱلۡغَوۡاْ فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَغۡلِبُونَ٢٦﴾ [فصلت: 26]. یعنی: «و کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و در (هنگام تلاوت آن) بیهوده­گویی و جار و جنجال کنید تا شما پیروز شوید».

13- سوره­ی فصلّت متضمّن بحثی پیرامون جریانات تربیتی در دعوت به سوی الله أ و اخلاق نیکو می­باشد که واقعاً جای تأمل دارد.

14- تهدید ملحدین در آیات الهی و دفاع از قرآن کریم و بیان این­که این کتاب هدایت و درمان است.

15- در پایانِ سوره به اندیشیدن در جهان هستی و انسان­ها و جان­ها فرا می­خواند؛ و این روشی است که حق را برای جوینده­اش تبیین می­کند.

جزء بیست و پنجم

1- سوره­ی شوری با معرفی قرآن مجید شروع می­شود. و می­گوید: قرآن برای امّ القری یا مکه و اطراف مکه بیم­دهنده است. همچنین درمورد روز قیامت هم هشدار می­دهد.

2- الله أ هر کس را که بخواهد برای رسالت خویش برمی­گزیند. و دعوت بزرگِ انبیاء † یکی است. هر چند در قوانین و احکام جزئی و مفصّل، متفاوت است. پس جای هیچ گونه تعجبی نیست که دین همان گونه که برای پیامبران قبل از رسول الله ص مشروع شده بود، برای ایشان هم مشروع گردد.

3- ثابت و استوار نمودن مبدأ شوری. و بیان این­ که شوری و مشورت از جمله صفات جامعه­ی مسلمان است.

4- سخن در مورد عفو و درگذشتن. و اگر با این اغماز و چشم­پوشی کردن، اصلاحی عاید گردد، قابل ستودن است و گر نه خیر.

5- اشاره به برخی از دلایل وحدانیتِ الله ﻷ و قدرت او تعالی؛ از جمله: نعمتِ تنوع در ارزانی داشتن اولاد و فرزندان برای هر کس که بخواهد و منع و ندادن به هر کس که بخواهد.

6- پایان سوره­ی شوری بیانگر این مطلب است ­که قرآن، روحی است که جان­ها بدان زنده می­گردد. آیا نظاره کرده­ای که الله ـ با این روح، چه مقدار از قلبت را زنده نموده است؟

7- سوره­ی زخرف با ذکر مقام و جایگاه قرآن کریم آغاز می­شود. سپس از این موضوع خارج و واردِ بحث احتجاج با مشرکین می­گردد. در ادامه به مناقشه و بررسی آنانی می­پردازد که بدون دلیل از پدرانِ خویش پیروی نموده­اند. آیا تا کنون به اثرِ منفی تقلیدِ کورکورانه بر خویش، اندیشیده­ای؟

8- نگران معیشت و روزی خویش نباش. الله أ معیشت مردم را در میان­شان تقسیم نموده است. البته برخی را بر برخی دیگر برتری داده است: ﴿نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾ [الزخرف: 32]. یعنی: «ما معیشت آنان را در زندگی دنیا بین آنان تقسیم کرده­ایم».

9- از همنشین بد برحذر باش و دوری گزین؛ قبل از این که آرزوی دوری از یار بد را داشته باشی. چرا که این زمان پشیمانی سودی ندارد!

10- در داستان موسی ÷ فرعون برای برتر دانستن خود بر موسی، به مُلک و پادشاهی استدلال می­کند! به دنیا فریفته مشو.. زیرا الله ﻷ آن را به کسی که دوستش دارد و ندارد، می­بخشد.

11- در روز قیامت تمام دوستی‌ها به جز دوستیِ متقیان و پرهیزگاران، از هم می­پاشد. پس با صالحان و نیکان همدم باش تا در دنیا و آخرت رستگار گردی.

12- به صحنه­ای که پایانِ سوره­ی زخرف در مورد گفتگوی بین جهنمیان و (مالک) نگهبانِ جهنم بیان می­دارد، نظاره کن. آه و حسرت بزرگ جهنمیان را تصور نما!

13- آغاز سوره­ی دخان از قرآن که کتابی مبارک است و در آن شب مبارک نازل شده است، سخن می­گوید. در ماهی مبارک و در شبی مبارک (شبِ قدر). پس در آن به دنبال برکت باش.

14- زندگیِ مشرک، بازی و سرگرمی است؛ لذا از همگونی و همانندی به او پرهیز کن.

15- ببین که چگونه استکبار و خودبزرگ­بینی، اهلش را از حق منحرف می­کند!

16- این سوره با سخن از نهایتِ کار اشرار به پایان می­رسد: ﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ٤٣ طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ٤٤﴾ [الدخان: 43-44]. یعنی: «بی­گمان درخت زقوم {43} خوراکِ (افراد) گناهکار است.{44}... و ادامه­ی آیات».

و برگزیدگان و نیکان منتظر چه هستند: ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٖ٥١ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ٥٢﴾ [الدخان: 51-52]. یعنی: «به راستی که پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند. {51} در باغ‌ها و چشمه ساران. {52} ... ».

17- اوایل سوره­ی جاثیه نظرها را متوجه ملکوت آسمان­ها و زمین می‌کند. سپس عقوبت و مجازاتِ آنان که از عبادت پادشاه پادشاهان سر برتافتند و آنان که وحی را به بادِ تمسخر گرفتند، بیان می­کند.

18- دنباله روی از هوا و هوس، صاحبش را بر آن می­دارد که ناآگاهانه برای خود معبودی بتراشد.

19- سوره­ی جاثیه با توصیفی تأثیر بخش از هول و هراس قیامت، زیانِ باطلان، ثوابِ مؤمنان و مجازاتِ کفار خاتمه می­یابد.

جزء بیست و ششم

1- سوره­ی احقاف با استدلال به محکم و استوار بودن آفرینشِ آسمان­ها و زمین بر توحیدِ الوهیت برای الله ﻷ آغاز می­شود.

2- بحث پیرامون درستیِ وحی و کسی که آن را آورده است.

3- وصیت به نیکی با والدین و برحذر بودن از اُف گفتنِ به آنان.

4- در داستانِ احقاف روشن می­گردد که مجازات و عقوبت گاه در لباسِ نعمت پدیدار می­شود. چنانکه قوم نوح عذاب را باران تصور کردند. این گونه گمان­ها انسان را نابود می­کند.

5- ببین که چگونه جن­ها به مجرّدِ یک بار شنیدنِ قرآن، اسلام را فهمیدند؛ آیا تا کنون از خود پرسیده­ای که قرآن چه تأثیری بر تو گذاشته است با وجودی که بارها آن را شنیده­ای؟

6- پایان سوره­ی احقاف دعوت به تفکر ِدر کائنات و به یادآوردن روز قیامت است. هم­چنین دعوت می­دهد تا در صبر و شکیبایی، به پیامبران † اقتدا شود.

7- سوره­ی محمد با تشویق مؤمنین به جنگ و نبرد با کفار و ذکر عاقبت هر دو گروه، آغاز می­شود.

8- توصیف بهشت و نعمت­هایش، و آتش و عذاب­هایش. تا انسان نیکوکار تشویق شود و بدکار بترسد.

9- این سوره منافقین را با چندین ویزگی توصیف می­کند و آنان را برای درمانِ بیماری­های قلبی به تدبر در آیات قرآن کریم فرا می­خواند.

10 – سوره­ی محمد با وصیت­هایی برای مسلمانان پایان می­یابد که مهمترین آن، ثبات و استقامتِ بر حق است. وگر نه اگر رویگردانی کنند، الله ـ به جای آنان مردمانی دیگر را قرار خواهد داد.

11- آغاز سوره­ی فتح، بشارت و خوش­خبری به مؤمنان نسبت به پایانِ نیک ِصلح حدیبیه است. با وجود این­که در ابتدای کار، شباهتی به پیروزی نداشت، این صلح را به فتح و پیروزی وصف می­نماید.

12- آرامش دادن به مؤمنین و زدودنِ غم و اندوه از آنان. و از پیش­آمدِ ناگوار و مصیبتِ بر منافین و مشرکین خبر می­دهد. پس ای مؤمن ناامید مباش.

13- ذکرِ بیعت حدیبیه، مقامِ رفیع آنان­که در این بیعت حضور داشتند و خرده­گیری بر آنان که از این جریان عقب مانده و از شرکت در فتحِ خیبر محروم شدند.

14- بیان صریح الله أ مبنی بر رضایت از کسانی که در زیر درخت بیعت کردند. هلاکت باد بر کسی که طعنه بر افرادی می­زند که الله ـ از آن­ها راضی است.

15- سوره­ی فتح با آیه­ای که ویژگی امتِ یاری شده را شرح می­دهد، به پایان می­رسد. از ابتدای این آیه: ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡ﴾ [الفتح: 29]. یعنی: «محمّد فرستاده­ی الله، و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و درمیان خود مهربانند».

16- سوره­ی حجرات گرد­آورنده­ی اخلاق و آداب است. در این سوره به دنبال اخلاق و ادب باش. هر اخلاق نیکی را بر خود لازم بدار و از هر اخلاق بدی برحذر باش.

17- این سوره از جدی بودنِ خطر شایعات سخن می­گوید. و می­گوید: شایعه­پراکنی منجر به پشیمانی خواهد شد. در آنچه بیان و یا نقل قول می‌کنی، تحقیق کن و مطمئن شو. خصوصاً در این فضاهای تبلیغاتی که اعتماد و یقین بسیار نادر و کمیاب شده است.

18- محکم و استوار نمودن پایه­های برادریِ عام که بر مبنای ایمان باشد. و سد کردن، بستن و اصلاحِ هر خلل و منفذی که در آن حاصل شود.

19- ذکر برخی از آداب و روش­هایی که شایسته است انسان مؤمن به آن آراسته شود.

20- برتری نزد الله تعالی بر پایه­ی تقوا و پرهیزگاری است نه اصل و نسب. لذا هرگز به چیزی که تو را سود نمی­بخشد، دل مبند!

21- هر آن­چه برای مؤمن حاصل می­شود، به فضل و توفیقِ طاعات و عبادات حاصل می­شود. در تمام این موارد، منت و بزرگواری از آنِ الله أ است: ﴿بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ١٧﴾ [الحجرات: 17]. یعنی: «بلکه الله بر شما منّت می­گذراد که شما را به سوی ایمان رهنمود کرده است».

22- سوره­­ی (ق) با ذکر تکذیب مشرکین علیه رسول الله ص شروع می­شود. سپس استدلال بر اثبات زنده­کردن مردگان با نشانه­هایی که چشمِ بینا آن را می­بیند. تمام این نشانه­ها دالِ بر قدرت و توانِ الله ـ است.

23- آیا الله أ را بر آن­چه می­گویی مراقب دانسته­ای؟ و آیا دو فرشته­ای را که سخنانت را ثبت می­کنند، به یادآورده­ای؟! ﴿مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ١٨﴾ [ق: 18]. یعنی: «هیچ سخنی را بر زبان نمی­آورد مگر آنکه نزدش نگهبانی آماده (حضور) دارد».

24- در این سوره، بیانی بسیار تأثیر بخش است از توصیف سکراتِ مرگ و آن­چه در ادامه از صحنه­های قیامت ذکر می­شود. هم­چنین در آن از درخواست افزایش آتش، بیان ویژگی بهشتیان سخن گفته می­شود. آنان که بسیار به سوی الله ـ رجوع می­کردند و حدود الهی را مراقب بودند.

25- در پایان سوره­ی (ق) هم، همانند ابتدای آن، سخن از اثباتِ زنده­کردن مردگان و استدلال به عظمت و بزرگی الله تعالی بر این جریان است.

26- اول سوره­ی ذاریات شامل اثبات برانگیخته شدن از قبرها، سزا و جزا و بیان سرانجام متّقیان و کفار است.

27- آیا در مورد روزی­ات نگرانی و ترس داری؟ به راستی الله ﻷ به ذات خویش سوگند یاد می­کند که همان­سان که تویِ انسان سخن می­گویی، روزی تو در آسمان است.

جزء بیست و هفتم

1- در ابتدای داستان لوط – با وجودی که قومش اولین قوم نبود – اشاره­ای است به این­که کفارِ مکه از نظر غوطه­ور شدن در فراموشی و غفلت، همانند قوم لوط هستند؛ ﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي غَمۡرَةٖ سَاهُونَ١١﴾ [الذاريات: 11]. یعنی: «آنان که خود، در ورطه­ی نادانی بی­خبرند».

الله متعال در مورد قوم لوط می­فرماید: ﴿لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ يَعۡمَهُونَ٧٢﴾ [الحجر: 72]. یعنی: «به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگشته­اند».

2- با کنایه و اشاره­ی به مشرکین، با ذکر برخی از امت­های تکذیب­کننده و هلاک­کردنِ آنان، به مشرکین کنایه می­زند؛ یعنی اگر آنان هم سخن حق را نپذیرند، چنین سرنوشتی خواهند داشت.

3- الله أ پیامبرش ص را به رویگردانی از تکذیب­کنندگانِ معاند دستور می­دهد. لیکن او را به پند دادن مستمر به مؤمنین امر می­کند.

4- ﴿وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ٥٥﴾ [الذاريات: 55]. یعنی: «و پند ده به راستی که پند دادن به مؤمنان سود می­بخشد». این آیه بیانگر این مطلب است که هر چه مؤمن از پند و نصیحت سود ببرد، نشانه­ی قدرت ایمانِ او است. عکس این جریان هم صدق می­کند.

5- آیا تا کنون اندیشیده­ای که این هدف را تا چه حد محقق نموده­ای؟ ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾ [الذاريات: 56]. یعنی: «و من جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند، نیافریده­ام».

6- اول سوره­ی طور به عذابِ مشرکین تکذیب­کننده تهدید می­کند. شدیدترینِ این تهدیدها زمانی است که فرشتگان آنان را به سختی و نکوهش به پیش می­رانند: ﴿يَوۡمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا١٣﴾ [الطور: 13]. یعنی: «روزی که به سوی آتش جهنّم به سختی گسیل داشته می­شوند».

7- سخن از نعمت­های متقیان است. آنان که می­گویند: ﴿قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا مُشۡفِقِينَ٢٦ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ٢٧﴾ [الطور: 26-27]. یعنی: «می­گویند: ما پیش از این در میان خانواده و فرزندانمان بیمناک بودیم. {26} پس الله بر ما منّت نهاد و ما را از عذاب آتش حفظ کرد. {27}».

آیا تو اکنون در زندگی خویش با همین الگو زندگی می­کنی؟ باشد که اللهأ تو را از عذاب سوزان محافظت نماید.

8- در این سوره پانزده علامت سؤالِ پی­درپی وجود دارد که شخص را از حالی به حالی انتقال می­دهد، و او را وادار به اندیشیدن در وضعیتِ کنونی و سرانجام کار می­کند.. این­ها پرسش­هایی بود که جبیر بن مطعم س را وارد اسلام نمود.

9- صبر و عبادت، دو موضوع مهم است که سوره­ی طور با آن­ها به انتها می­رسد. آیا تو از این دو موضوع بهره و نصیبی داری؟

10- سوره­ی نجم با تزکیه و پاکی رسول الله ص و اثبات عصمتش، آغاز می­گردد. و می­گوید: قرآن وحیی است که توسط جبرئیلِ امین از جانب الله أ آورده شده است. و اشاره به این دارد که اگر کسی هدایت را دنبال نکرد، حتماً از خواهشات نفس پیروی خواهد کرد.

11- ابطال معبودانِ مشرکین و ابطال سخنان آنان در مورد معبودان. و این­­که این سخنان وهم و خیال است و صحت ندارد.

12- برحذر داشتن از سخنان ظنّی و خیالی در مورد معبودان.

13- پایان سوره، یادآوریِ عذاب امت­های مشرکِ پیشین، به مشرکین زمان خویش است. آنان را از حادثه­ای می­ترساند که هر لحظه ممکن است گریبان­گیر آنان شود.

14- سوره­ی قمر با بیم­ دادن مشرکین به نزدیک شدن قیامت و سختی­هایی که در آن زمان خواهند دید، شروع می­شود.

15- یادآوری به مشرکین، نسبت به آن­چه بر سرِ امت­های گذشته آمده بود. و بیان این­که آنان از کفار امت­های گذشته بهتر نیستند.

16- در این سوره بارها یاد آوری شده است که قرآن برای هر کس که بخواهد آن را تلاوت و حفظ کن و یا بفهمد، آسان است. اما مشکلی که در این سؤال پنهان است اینکه آیا پند­­پذیری هست؟!

17- سوره­ی الرحمان که در (أثَر)، عروس قرآن معرفی شده است، نعمت­ها را بر­ می­شمرد. اولین نعمت را، نعمتِ تعلیم قرآن می­خواند. تنها تلاوت قرآن ملاک نیست، ببین چقدر از آن را آموخته­ای؟

18- آخر این سوره در مورد توصیف بهشت و نعمت­های موجود در آن است. پس موفق کسی است که برای سکونت در آن مکان، با جدّیت تمام تلاش نماید.

19- در ابتدای سوره­ی واقعه، شاهدِآغازی هولناک هستیم. آیا هنگام تلاوت این سوره کمی درنگ کرده­ای، تا این صحنه را در ذهنت مرور کنی؟

20- انسان­ها در روز قیامت به تناسب اعمال­شان به سه دسته تقسیم می­شوند. و جزای آنان هم بر همین مبناست. مواظب باش از دسته­ی هلاک­شدگان نباشی.

21- ارائه­ی برخی از ادله­ی حسی و قابل رؤیت بر این­که زنده شدن پس از مرگ، حق است و انکار آن نقص و عیب محسوب می­شود.

22- این سوره با توصیف لحظات مرگ، و ذکر گروه­های سه­گانه که در ابتدا سخن از آنان به میان آمد، به پایان می­رسد.

23- سوره­ی حدید با توصیف عظمت، علمِ فراوان و کمالِ قدرت الله ـ شروع می­شود.

24- ثمره و نتیجه­ی توصیف الله أ به عظمت و بزرگی، ایمان آوردن به او تعالی و انفاق کردن در راه اوست.

25- بیان و توصیف نورِ مؤمنان در عرصات قیامت و حسرت و افسوسِ منافقین در از دست دادنِ این نور.

26- در قبالِ پیامِ این آیه چه وظیفه­ای داریم؟ ﴿۞أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾ [الحديد: 16]. یعنی: «آیا برای مؤمنان وقت آن فرا نرسیده است که دل­های­شان به (هنگام) یاد الله و (هنگام) به یاد آوردن آنچه از حقّ نازل شده است خشوع یابد؟».

27- بیان حقیقتِ دنیا و این­که دنیا متاع و کالایی بیش نیست. به سبقت و پیشی­گرفتن به سوی بهشت، مغفرت، الگو پذیری از پیامبران † که الله ﻷ در انتهای سوره نام آنان را می­گیرد، دعوت می­دهد.

28- صفتِ (نور) در این سوره دو بار یاد شده است. یک مرتبه در عرصات و صحنه­ی قیامت؛ آنگاه که نصیب مؤمنان می­شود. و یک مرتبه هم در آخر سوره. لذا کسی که در دنیا به نور ایمان نایل نشود، در صراطِ قیامت هم بدان نایل نخواهد شد.

جزء بیست و هشتم

1- احکام (ظهار) و گوش دادن به مجادله­ی یک خانم در جریانی اجتماعی، در سوره­ی مجادله بیان شده است. کجایند آنان که می­گویند اسلام به زن ظلم کرده است؟

2- صحبتی مفصّل پیرامون نجوا و سرگوشی کردن، تعلیم و تربیت مؤمنین در مورد ادبِ سکوت کردن و تکلّم آنان.

3- در این سوره تمرکزی بسیار روشن و واضحی بر وسعت و گستردگی علم الله أ و شمردنِ اعمال بندگان شده است. آیا تا کنون از تأثیر این مطلب بر قلب خویش سؤال کرده­ای؟

4- رسوا کردن منافقین با بیان بعضی از روش­ها و اسلوب حضور آنان در جلسات ذکر و یاد الهی؛ که چگونه جسم­شان حضور دارد و دل­های­شان از جلسه غایب است. این مورد را با سه ­آیه­ی آخرِ سوره­ی توبه، کنار هم قرار بده و مقایسه کن!

5- بیان حکم دوستیِ متقابل با دشمنان الله ـ هر چند که از خویشاوندان و بستگان باشند.

6- در سوره­ی حشر سخنی پیرامون جنگ با بنی نضیر، و نعمت­های اللهﻷ بر پیامبر ص و یارانش ش در یاریِ آنان علیه یهودیان، بیان می­شود.

7- بحث مفصّل در مورد حکم مالِ فیء و غنیمت­های مسلمین.

8- بیان فضیلت مهاجرین و انصار و تمجید از کسانی که در آینده خواهند آمد و مهاجرین و انصار را دوست می­دارند و قلب­شان از کینه و عداوت بر صحابه ش سالم مانده است. پس هلاکت و زیان باد بر آنان که به صحابه ش طعن وارد کرده و ناسزا می­گویند.

9- رسوا کردن منافقینی که با یهودیان هم­دست شدند. و این­که الله أ چگونه آنان را برادرانِ یهود خوانده است!

10- بیان عظمت و بزرگی قرآن کریم که حتی اگر بر کوه هم نازل می­شد، از ترس الله متعال متلاشی می­گشت.

11- این سوره با ذکر نام­های متوالی و پی­درپیِ الله ﻷ پایان می­یابد؛ که تهدیدی عمیق و تودار برای یهود و مشرکین و منافقینی که آنان را همراهی کردند، و آرامش خاطری برای مؤمنان است.

12- در سوره­ی ممتحنه مطالب بسیار مهمی پیرامون برخی از احکام ولاء و براء وجود دارد.

13- از بزرگی دین اسلام این است که میان کفّاری که با اسلام می­جنگند و آنان که نمی­جنگند، فرق می­گذارد.

14- سخنی پیرامون هجرت زنان، کیفیت بیعت آن­ها و احکامی که متعلق به این جریان است، مطرح می­شود.

15- در سوره­ی (صف) از گفتار بدون عمل باز می­دارد و به جهاد تشویق می­نماید.

16- داستان موسی و عیسی إ – والله اعلم – تذکری است بر این ­که این دو پیامبر، پیروان زیادی داشتند که دست از یاری آن دو بزرگوار کشیدند. پس جز عدّه­ی اندکی که الله ﻷ خواست، کسی به بیعت خویش وفا نکرد. لذا در این سوره پیامی ­است به پیروان رسول الله ص که مبادا پیامبرشان را تنها گذارند. بلکه باید او را یاری کنند و از کسانی نباشند که سخنانی می­گویند که بدان عمل نمی­کنند.

17- تذکر و یادآوری به حقیقتِ تجارتِ سودمند.. و آن، تجارتِ با الله ـ است.

18- در سوره­ی جمعه اشاره­ای است به جلال و عظمت الله أ، و نکوهشِ یهودیان؛ چرا که آنان به علم­شان عمل نکردند.

19- هر کس که از مرگ بگریزد حتما با آن روبرو خواهد شد.. پس باید که برایش آمادگی نمود.

20- در این سوره به مؤمنان هشدار داده می­شود که مبادا تجارت و دیگر کالای دنیا آنان را از بزرگترین فریضه­ی عملیِ الله ﻷ که نماز جمعه­ است، غافل گرداند.

21- در سوره­ی منافقین الله أ تقریباً پانزده خصلت از خصلت­های منافقین را ذکر می­کند که شایسته است از آن­ها و از وسایلی که به این خصلت­ها منتهی می­شود، پرهیز نماییم.

22- پند و نصیحتی جدی در هشدار از سوار شدن بر مرکبِ زیان و تباهی. آن­هم با سرگرم شدن به مال و فرزند به جای ذکر و یاد الله ـ.

23- سوره­ی تغابن، قدرت، علم و دانش الله أ، و ترسیدن از روز قیامت را بیان می­دارد.

24- آیا در مفهومِ کلمه­ی (تغابن) اندیشیده­ای؟ تغابن روزی است که در آن زیان و خسارتِ بزرگ اتفاق می­افتد. برحذر باشیم از این­که در لیست زیانکاران قرار گیریم.

25- در سوره­ی تغابن، قاعده­ای از قواعد ایمان به تقدیر آمده است. ﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ﴾ [التغابن: 11]. یعنی: «هیچ مصیبتی جز به حکم الله نمی­رسد و هرکس به الله ایمان بیاورد، دل او را هدایت می­کند».

26- هشدار در مورد آزمایش و امتحان همسران و فرزندان. و دستور به انفاق و خرج کردن و تشویق به تقوا و پرهیزگاری در این زمینه.

27- در سوره­ی طلاق، بخش پایانی احکامِ طلاق و ارتباط آن با تقوی و احسان و نیکی که قسمتی از آن در سوره­ی بقره و نساء ذکر شده بود، می­آید. در ادامه به ذکرِ امت­هایی که از دستور الله ـ سرتابیدند، می­پردازد.

28- این سوره تأکید فراوانی بر حفظ تقوی در هنگام طلاق و أثر آن بر حفظ حقوق، دارد. از هر دو طرف می­خواهد در بحث طلاق و حقوق مربوطه، بنا بر حالات روحی که زوجین گرفتار آن می­شوند، از تفریط و کم کاری یا کوتاهی کردن بپرهیزند.

29- أثر تقوی و برکت آن، در قالب راحتی و گشایشِ الله ـ بر خانم باردار و انفاق کننده یا مرد خانه، و برون رفتِ از تنگناها، نمودار می­گردد. این حالت بر هر رنج­دیده و اندوهگینی آشکار خواهد شد.

30- سوره­­ی تحریم، حرام نمودن حلال را به نیتِ خوشحالی و رضایتِ افراد، انکار می­کند. به زنان می­آموزد که بر همسران خویش سخت نگیرند و زندگی را تنگ و تلخ نکنند.

31- در این سوره به رویکردی که سزاوار زندگی زناشویی است، تذکر داده می­شود: ﴿عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾ [التحريم: 3]. یعنی: «بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی (دیگر) اعراض نمود».

32- بزرگترین خدمتی که پدر برای اهل بیتش تقدیم می­دارد، تربیت و محافظت خانواده از هر عاملی است که آنان را وارد آتش جهنم می­کند.

33- وقتی در پایان سوره دو مثال ذکر می­شود، این دو مثال یعنی درس عبرت. و نیز برای پرهیز از همسان شدن به مانند آن دو زن کافر، و اقتدا به آن دو زن مؤمن می­باشد. و واقعاً چه احترام و بزرگداشتِ زیبایی است وقتی مردان امر می­شوند که به آن دو زنِ صالح اقتدا کنند و آنان را الگو و مدلِ خویش قرار دهند.

جزء بیست و نهم

1- سوره­ی مُلک بعضی از آثار مُلک و پادشاهی بزرگ الله أ را آشکار می­کند. پس خوب در آن تأمل و اندیشه کن تا هیبت و اجلال الله ﻷ آن پادشاهِ بزرگ، نصیبت گردد.

2- سوره­ی مُلک تهدید مشرکین را در پی دارد. زیرا چگونه می­شود که بنده به پروردگاری که دارای صفاتِ ذکر شده در این سوره است و این، بخشی از عظمتِ او تعالی است، شرک بورزد؟

3- در سوره­ی قلم، بحثی گسترده از اخلاق، و ثنا و تمجیدِ رسول الله ص به خاطر اخلاق بزرگش مطرح می­شود. همچنین نمونه­ای از اخلاق زشتِ یکی از سرانِ کفر را بیان می­دارد.

4- در داستانِ بهشتیان، دلیلی بر ضرر و ناکام ماندنِ انسان­های بخیل است.

5- سوره­ی حاقّه توصیفی مؤثر از سرانجام امت­هایی است که پیامبران را تکذیب کردند. آیا عبرت­گیرنده­ای هست؟

6- در همین سوره وصفی بسیار هولناک از صحنه­ی قیامت و بیان بخشی از ویژگی عرشِ آفریدگارِ بزرگ است. سپس به صورت مفصّل، صحنه­ی تحویلِ پرونده­های اعمال بیان می­شود.

7- سوره با تأکید بر این­که آنچه رسول الله ص آورده حق است، پایان می­یابد. و می­گوید: توصیف قرآن به شعر و جادو، تناقضی است که سزاوار انسانی عاقل نیست.

8- در سوره­ی معارج معرفی برخی از وقایع هولناک قیامت است؛ اندیشمندان کجایند؟

9- در همین سوره بعضی از ویژگی­های بهشتیان یاد می­شود. با نماز شروع می­شود و با نماز هم پایان می­یابد. پس خوب بیندیش؟

10- در سوره­ی نوح، دعوتِ نوح ÷ و اجتهاد و تلاش وی در بکار گیری روش­های متنوع دعوت، با توجه به عناد و دشمنیِ شدید قومش، توصیف می­شود.

11- سخن در مورد ثمرات و بازتابِ استغفار و عنایت و توجه به دعا برای والدین.

12- در سوره­ی جن، از داستانِ مسلمان شدن جن­ها صحبت می­شود. بیان می­کند که بعضی از آنان مسلمان، و دسته­ای دیگر کافرند.

13- این سوره تهدیدِ مشرکین و ابطال پیشگویی و ادعای علم غیب را، در بر دارد.

14- در سوره­ی مزمل، اشاره­ای بسیار روشن بر این است که عبادت، خصوصاً قیام اللیل به همراه صبر و شکیبایی، قویترین یاور بر تحمّل سختی­های دعوت به سوی الله ـ است.

15- سوره­ی مدّثّر، شاملِ تشویق بر دعوت به سوی الله أ، ذکر نمونه­ای از دشمنانِ دعوت، سپس بیان عاقبتِ این دشمنان است.

16- سوره­ی قیامت، وصفی است از قیامت و اتفاقات قبل و بعد از آن. برای آن چه مهیا کرده­ای؟

17- کلمه­ی (انسان) شش بار در سوره­ی قیامت ذکر شده است. آیا فکر کرده­ای این کار بر چه چیز دلالت داشته و چه مفهومی را در بر دارد.

18- سوره­ی (انسان) به صورت خلاصه عذابی را که کفار خواهند دید، توصیف می­کند. حال آن­که نعمت­هایی که انتظار مؤمنان را می­کشد، کاملا شرح و بسط می­دهد.

19- سوره­ی مرسلات با ادله­ی فراوانی از اثبات زنده شدن پس از مرگ و سزا و جزا، سخن می­گوید. از همین رو تهدیدِ تکذیب­کنندگان این جریان، بارها تکرار شده است: ﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ﴾ یعنی: «پس آن روز، وای بر تکذیب­کنندگان».

جزء سی­

1- معرفی اتفاقات قیامت در بسیاری از سوره­های این جزء. مثلاً به سوره­ی نبأ، اواخر نازعات، عبس و دو سوره­ی تکویر و انفطار نگاه کن.

2- در تعدادی از سوره­های این جزء، بسیار از اخلاق نیک و بد سخن به میان می­آید؛ مانند سوره­ی مطففین، فجر، بلد، لیل، ضحی و ماعون. پس خوب به آن بیندیش.

3- این جزء سخنانی بسیار آشکار در مورد قرآن دارد. و با اسلوبی متنوع، حق و درست بودنِ آن را اثبات می­کند. مثلاً پایان سوره­های تکویر، انشقاق و طارق را دقت کن.

4- در این جزء ملاحظه می­کنیم که به مخلوقات فراوانی همانند خورشید، ماه، شب، روز و هنگامِ چاشت، زیاد سوگند خورده می­شود. و طولانی­ترین قَسَم قرآن که یازده مورد است و در سوره­ی شمس صورت گرفته است، در این جزء یاد شده است. آن­هم در مورد جریانی که اساس رستگاری یا زیانکاری است: ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا٩ وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا١٠﴾ [الشمس: 9-10]. یعنی: «کسى که آن را پاک داشت، رستگار شد {9} و کسى که آن را فرومایه داشت، زیانکار شد {10}».

5- در این جزء داستان­ تعدادی از امت­های پیشین ذکر شده است. البته این مورد در جزء­های گذشته از نظر خوانندگان محترم گذشت؛ به جز داستان اصحاب اُخدود و فیل!.

6- فراخواندن به تفکر و تدبر در زندگی و سرانجام مخلوقات، ما را به عملِ فراوان و دنباله­رویِ از حق، رهنمود می­کند.

7- اولین سوره از نظر نزول که (علق) است و با خواندن و قراءت آغاز می­گردد، در این جزء قرار دارد. و محترم­ترین کتابی که خوانده شده است، کتاب الله ـ می­باشد. و فهم و عمل به آن، از بزرگترین ادله بر بزرگداشت بنده توسطِ الله أ است.

8- سوره­ی تکاثر درد و بیماریِ بزرگی را که دنیا و آخرت بسیاری از مردم را تباه کرده است، متذکر می­شود؛ یعنی زیاده­خواهی در دنیا؛ با فرزندان، اموال و غیره. پس باید که مواظب باشیم.

9- پایان این جزء با سه سوره­ای است که مشروع است انسان مومن قراءت هنگام خواب آن­ها را بخواند؛ چرا که در این سوره­ها ارتباط زیادی با الله أ و دوری از قدرت و نیروی انسانی است.

10- و چون سوره­ی فلق و ناس نازل شد، پیامبر ص آن­دو را به عنوان رُقیه (دَم کردن) انتخاب کرد و غیرِ آن­دو را رها نمود. زیرا در این دو سوره پناه جستن از هر شرِّ عام و خاص و ثنا و گرامی­داشتِ الله ﻷ به صفاتِ مُلک و آفریدن، وجود دارد. تا ارتباط و دلبستگیِ بنده را به جای دیگر مخلوقات با آفریدگارش، قدرت بخشد.

و الله تعالی أعلم، وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

پایان ترجمه

24/ رمضان/ 1437 هـ

ابوخالد عبدالله محمدی